

افشاگری مداخلات و جنایات آمریکا در ایران باید در سطح جهانی گسترش یابد

محکوم ساختن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود، ما می‌توانیم و باید، با ارائه اسنادی که باید بر مبنای تکمیل تر از اسناد ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی تهران باشد، با تمام قوا بکوشیم که کنفرانس هاوانا به مجسمی تبدیل شود که در آن، دولت آمریکا، بتواند دولتی مداخله‌گر، که برای برقراری سلطه جهانی مجدد خود در ایران به هر توطئه دستانه‌ای متوسل می‌گردد، افشا و با قاطعیت محکوم گردد.

فرق اساسی که بین کنفرانس هاوانا و کنفرانس بین‌المللی تهران وجود دارد این است که، در کنفرانس تهران هیئت‌های نمایندگی نیروهای اجتماعی و دولتی حضور یافته‌اند، ولی در کنفرانس هاوانا هیئت‌های نمایندگی دولتها شرکت خواهند کرد. بنابراین اگر در کنفرانس هاوانا بتوان اکثریت قاطعی از هیئت‌های نمایندگی را در جبهه حمایت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن خدایان - امپریالیسم آمریکا جلب کرد، نه فقط يك پیروزی تبلیغاتی، بلکه همچنین يك پیروزی بزرگ سیاسی خواهد بود.

تقریباً دو ماه بعد از کنفرانس هاوانا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاس سالانه خود را آغاز خواهد کرد. در این اجلاس مجمع عمومی از طرف هیئت‌های ایران مطرح کرده، اسناد افشاگرانه در بین هیئت‌های نمایندگی دولتها شرکت کنند، بخش‌هایی از مجمع عمومی خواسته شود که آمریکا، بتواند دولتی که در امور داخلی ایران با خشونت مداخله کرده و در صدد برانداختن جمهوری اسلامی ایران است، محکوم گردد.

صدور قطعنامه‌ای از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و در محکوم ساختن مداخلات و توطئه‌گرانه آمریکا در ایران، پیروزی بزرگ تبلیغاتی و پیروزی بزرگ سیاسی برای ما خواهد بود.

بطور کلی باید به این واقعیت توجه جدی کرد که نبرد بین مساوات‌طلبی و سلطه طلبی نبردی زودگذر نیست، ما سالیان دراز درگیر مبارزه با امپریالیسم تاراجگر، خدعه‌گر و غدار آمریکا خواهیم بود و لذا ما، برای تأمین پیروزی قطعی و نهایی خود، باید نه فقط تمام نیروها و امکانات داخلی خود را علیه این دشمن آشتی‌ناپذیر بسیج کنیم، بلکه همچنین بسایند تمام نیروها و امکانات بین‌المللی را، در تمام زمینه‌ها، از جمله در زمینه تبلیغاتی و سیاسی برای به انفرادیت آمریکا حمایت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مورد استفاده کامل قرار دهیم.

کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، که در آن بیش از ۱۰۰ هیئت نمایندگی از ۵۰ کشور جهان شرکت کردند و بمدت چهار روزی که جریان داشت، در آن تاحده ممکن مداخلات آمریکا در ایران انشاء و طی قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده محکوم گردید، آغاز بود و باید آغازی باشد برای افشاگری هر چه گسترده‌تر غارتگری و جنایات بی‌حساب آمریکا در ایران و در سطح جهانی.

انشاء هر چه ممکن است وسیعتر مداخلات و جنایات آمریکا در ایران نه فقط برای خنثی کردن تبلیغات دامنه‌دار امپریالیستی، که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جریان داده، مفید و لازم است، نه فقط برای نشان دادی چهره ددمنش امپریالیسم آمریکا، بتواند دشمن اصلی خلق ما و همه دیگر خلقهای جهان، مفید و لازم است، بلکه برای پیشگیری از اجرای توطئه‌هایی که دولت آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جبهه و در آینده نیز خواهد جبهه، ضرورت دارد.

در مدت ۱۶ ماهی که از پیروزی نخستین مرحله انقلاب، یعنی از سقوط رژیم شاهنشاهی و دست نشانده شاه مخلوع می‌گذرد، ما در جبهه تبلیغاتی علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه مؤثری انجام ندادیم و اگر تبلیغات دشمن و نیروهای اجتماعی دوست و حامی انقلاب ایران نبود، میدان نبرد در جبهه تبلیغات تماماً به دشمن واگذار شده بود.

تشکیل کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، در واقع نخستین حمله جدی متقابل ما، در جبهه تبلیغات، علیه دشمن بود و این کنفرانس نشان داد که ما در این جبهه نبرد، تنها نیستیم، دوستان هم‌رزم فراوان داریم و بنابراین می‌توانیم و باید حمله تبلیغاتی خود را بر ضد دشمن اصلی - آمریکا جنایتکار، بکمک این دوستان با موفقیت ادامه دهیم.

در ماده ۱۲ قطعنامه پایانی کنفرانس گفته می‌شود که تصمیم گرفته شد يك کمیته ویژه تشکیل گردد و این کمیته ویژه وظیفه دارد با شرکت کنندگان در کنفرانس تماس برقرار کند، تا کوشش آنها را برای جلوگیری از تمام تحریکات امپریالیستی علیه انقلاب ایران هماهنگ سازد. این تصمیم بسیار مفید و بسیار مهم بخشی است که باید در اجرای آن با تمام نیرو کوشید.

باید کمیته ویژه کنفرانس را با کوهی از اسناد، که می‌توان درباره انواع مداخلات، تاراج‌گریها و جنایات بی‌شمار و بی‌شماری آمریکا در ایران بتدریج ولی مجدانه فراهم کرد، مجهز ساخت و در انتشار این اسناد به مقیاس جهانی به کمیته ویژه کمک نمود.

در تیرماه قرار است کنفرانس کشورهای غیر-متحده، بنابه درخواست ایران، در هاوانا تشکیل شود. کوبا، که ریاست این کنفرانس را بر عهده داده، در کار تهیه مقدمات تشکیل آنست. این کنفرانس برای محکوم کردن مداخلات و جنایات پیشین آمریکا در ایران و برای

نماینده ویتنام در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران:
لانه جاسوسی آمریکا
مرکز کلیه مداخلات آمریکا
در ایران بوده است

□ ویتنام حادثه جونئی □ ایران نمونه‌ای از نظامی آمریکا در ایران را شجاعت يك ملت در نبرد بشدت محکوم می‌کند با امپریالیسم است

پیام همبستگی ۶۰ سازمان بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی جوانان و دانشجویان سراسر جهان به مردم، جوانان و دانشجویان ایران

صفحه ۸



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۵۴
دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

زمینه‌های همکاری در اوپک

به حمایت جدی و قاطع‌تری از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران اقدام کنند، بهمان درجه مبارجدی‌تری بر توطئه‌های خطرناک امپریالیسم علیه انقلاب ایران و منافع همه کشورهای صادرکننده نفت زده خواهد شد.

تنها در جبهه انقلاب ایران نیست که امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشانده‌های توطئه‌های پیشرفته‌ای علیه کشور-های صادرکننده نفت ترقیب می‌دهند. در بازار جهانی نفت، امپریالیسم دست به اقدام بیسابقه‌ای زده و به استحکام نفت پرداخته است. در شرایطی که کشورهای مصرف‌کننده نفت نیاز به توزیع مناسب نفت و فرآورده‌های نفتی در سطح جهان دارند، امپریالیسم آمریکا تحت عنوان گردآوری ذخایر ضروری به استحکام نفت پرداخته و به ذخیره‌سازی بیش از يك میلیارد بشکه از نفتی که از کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس صادر می‌شود، اقدام نموده است. این ذخیره سازی چه هدف استراتژیک و نظامی داشته باشد و چه منظور رقابت در کاهش قیمت‌های نفت در آینده بکار برده شود، از هر دو جانب بزبان کشورهای صادرکننده نفت است. واقعیت این است که دولت آمریکا مانند يك دلال، نفت را به بهای نسبتاً ارزان امروز می‌خرد، تا در آینده به‌بهای برابری که در گذشته قرار داده، و نفتی را که باید به کشورهای صاحب منابع نفت برسد، غصب کند.

در آستانه تشکیل ۱۵۷مین کنفرانس سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» در الجزایر، زمینه‌های همکاری در این سازمان بیش از هر زمان دیگری است. باید کوشید و از این زمینه‌های همکاری در جهت تأمین پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و ضد انحصاری ملل کشورهای صادرکننده و مصرف‌کنندگان نفت استفاده بعمل آورد.

۱۵۷مین کنفرانس «اوپک» امروز در الجزایر کار خود را آغاز می‌کند. بررسی گزارش کمیسیون اقتصادی پیرامون یکی کردن قیمت‌های نفت، تأسیس خبرگزاری سازمان و تسهیل بزرگداشت ۲۰مین سالگرد تأسیس «اوپک» از سائلی است که در دستور روز کنفرانس قرار دارد. لیکن اهمیت کنفرانس حاضر «اوپک» از چهارچوب این مسائل فراتر می‌رود.

انتظار است که ۱۵۷مین کنفرانس «اوپک» زمینه‌های همکاری و وحدت بیشتر اعضاء را مورد توجه قرار دهد و بر این اساس، به اتخاذ تصمیمات مشترکی در جهت تقویت مواضع کشورهای صادرکننده نفت و تأمین منافع کشورهای در حال رشد در مبارزه علیه توطئه‌های دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی نائل آید.

زمینه همکاری در «اوپک» در لحظه کنونی را قبل از همه باید در تکران کلیه اعضاء از توطئه‌های امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران، علیه جبهه مشترک دول عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت و منافع آنان دانست.

واقعیت اینست که امپریالیسم آمریکا با دست‌زدر به جنایات بی‌درسی علیه انقلاب ایران، کشورهای نفت‌خیز را نسبت به تأیید این توطئه‌ها تکران ساخته است. زمامداران رژیمهای کشورهای «اوپک»، هر اندازه هم ناآگاه باشند، درک می‌کنند که، هدف امپریالیسم از سرکوب انقلاب ایران، از جمله ضربه وارد ساختن به منافع تمامی کشورهای عضو «اوپک» است. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد با توطئه تحریک اقتصادی و تهاجم نظامی تناسب قوا را بسود خود و منافع غارتگرانه انحصارات نفتی، که پس از انقلاب ایران در تکنای شکست استراتژیک در همه کشورهای نفت‌خیز قرار گرفته‌اند، تغییر دهد.

تجربه نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا در این زمینه حتی از توسل به تجاوز نظامی و برافروختن جنگهای محلی نیز، که دامن همه کشورهای نفت‌خیز را خواهد گرفت، آبا ندارد. در این شرایط، هدف اصلی اعضاء «اوپک» باید این باشد که با تحکیم اتحاد و همکاری در بین خود در دفاع از انقلاب ایران، امید امپریالیسم را در تغییر وضع بسود خود، یا توسل به توطئه‌های گوناگون بیدل به یاس گردانند. هر چه کشورهای عضو «اوپک»

سیاست ذخیره‌سازی نفت از جانب آمریکا يك سیاست آشکار تجاروی و امپریالیستی است. این سیاست گذشته از هدفهای استراتژیک درازمدت، هدف آنی و فوری را نیز تعقیب می‌کند. آمریکا می‌خواهد بدینوسیله با خرید نفت از کشورهای نفت‌خیز، بازار بین‌المللی نفت را بزبان این کشورها تحت تأثیر قرار دهد و با فروزی عرضه بر قاره‌ها، کاهش قیمت‌های نفت و یا حتی ثبات آن نائل آید. تاکنون پیداست که زبان این سیاست امپریالیستی در درجه اول متوجه منافع کشورهای صادرکننده نفت است.

در محافل ضد امپریالیستی در کشورهای نفت‌خیز عضو اوپک، به تالیف سیاست غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم و انحصارات نفتی آشنائی دارند. همین جهت کاملاً طبیعی است که کشورهای عربی صادرکننده نفت «اوپک»، چند روز قبل، ضمن بیانیه‌ای در کویت خواستار کاهش تولید نفت در کلیه کشورهای صادرکننده نفت شدند. در اعلامیه «اوپک» بدروستی خاطر نشان گردیده است که، این درخواست پاسخی است به ذخیره کردن نفت از سوی آمریکا، که باعث گردیده کشورهای تولیدکننده نفت شکایاتی خود را در قبایل سیاست ایالات متحده از دست بدهند. در اعلامیه «اوپک»، همچنین بدروستی یادآوری می‌گردد که منطقی نیست تولیدکنندگان نفت سلاحی را در اختیار دیگران بقیه در صفحه ۲

درباره نظریه مائوئیستی - امپریالیستی «ابر قدر تنها»

مفحات ۳ و ۶

ژرژ مارش دیرکل حزب کمونیست فرانسه:
اتحاد شوروی برای صلح تلاش میکند

مفحه ۶

وضع تحصیل کودکان در روستاها
مسائل دهقانی - مفحه ۵

به نارضایتی رانندگان کامیون پایان دهید!
مسائل کارگری - مفحه ۴

درباره نظریه مائوئیستی - امپریالیستی «ابر قدر تنها»

مفحات ۳ و ۶

ژرژ مارش دیرکل حزب کمونیست فرانسه:
اتحاد شوروی برای صلح تلاش میکند

مفحه ۶

وضع تحصیل کودکان در روستاها
مسائل دهقانی - مفحه ۵

به نارضایتی رانندگان کامیون پایان دهید!
مسائل کارگری - مفحه ۴

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بارنجات داد

از گفته‌های زنان خریدار در میدان میوه و تره‌بار خیابان گرگان با خبرنگار نامه «مردم»:

● در دوران شاه بچه‌های من گیلان نخوردند. الان هم نمی‌توانند بخورند.
من شوهرم راننده وزارت راه است و در دو اطاق با ۸ نفر عائله زندگی می‌کنیم و نمیتوانیم از پس بادهجان کیلویی ۹ تومان و هویج فرنگی کیلویی ۸ تومان و تخم‌مرغ کیلویی ۸ تومان برآئیم.

● شوهرم کارگر کارخانه است و ماهی ۱۵۰۰ تومان بیشتر درآمد ندارد. خودم هم ۵ سال است در خانه کلفتی می‌کنم. الان بچه‌هایم مدتی است که هیچ‌گونه میوه‌ای نخورده‌اند. تازه يك خانه خشتی دارم که از باب این خانه می‌خواهند از من نوسازی هم بگیرند. در حالی که از دیگران، که آپارتمان‌ها و خانه‌های شیک دارند، هیچ پولی نمی‌گیرند.

● میگویند مواد غذایی و میوه جزو کالای لوکس است. می‌خواهم بدانم سبزی مینی یا گوجه‌فرنگی جزء کالای لوکس است؟ ممکن است که قیمتش لوکس باشد، اما خودش نه. چرا سبزی، که ما خودمان بعلل می‌آوریم، باید کیلویی ۷ تومان باشد، آنهم سبزی گندیده؟

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

پیام همبستگی ۶۰ سازمان بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی جوانان و دانشجویان سراسر جهان به مردم، جوانان و دانشجویان ایران

در تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ (۱۲-۱۵ مه ۱۹۸۰) یک سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجوین جهان، با شرکت نمایندگان ۶۰ سازمان بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی از ۳۴ کشور جهان، در لندن، پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، برگزار شد. این سازمان‌ها عبارت بودند از: فدراسیون جهانی جوانان و دانشجویان بین‌المللی، آفریقای جنوبی، مصر، شیلی، عراق، عربستان سعودی، اتیوپی، اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، چکسلواکی، مجارستان، جمهوری دموکراتیک خلق کوبا، مغولستان، ایالات متحده آمریکا، افغانستان، بحرین، بنگلادش، دانمارک، غنا، هند، لبنان، ناپلی، نیبال، فیلیپین، پرتغال، سودان، ویتنام، جمهوری عربی یمن و دانشجویان ایران.

جمهوری دموکراتیک خلق یمن. این سازمانها در یک گردهم آیی مشترک، حمایت خود را از مبارزات عادلانه مردم، جوانان و دانشجویان ایران علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ایران، و پیام همبستگی زبیرین را خطاب به مردم، جوانان و دانشجویان ایران ارسال داشتند.

پیام همبستگی سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان - عدن، جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن ۱۲-۱۵ مه ۱۹۸۰ - به مردم، جوانان و دانشجویان ایران

ما شرکت‌کنندگان در سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان و سازمان‌های آنان در مبارزه به خاطر استقلال ملی و دگرگونی اجتماعی - اقتصادی ترقی‌ناپذیر در کشورهای در حال رشد، که در عدن، پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، در ۱۲-۱۵ مه ۱۹۸۰، با شرکت نمایندگان میلیون‌ها جوان و دانشجو از ۳۴ کشور جهان برگزار شد، همبستگی عمیق خود را با انقلاب ضدامپریالیستی و دموکراتیک ایران و با مبارزه عادلانه مردم ایران علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صیونیسم و ارتجاع بین‌المللی و به خاطر استقلال و حاکمیت ملی و ترقی اجتماعی اعلام می‌داریم. ما قویا توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران را که با شیوه‌های غیرانسانی نظیر محاصره اقتصادی، خرابی کاری، تهدید و مداخله مستقیم نظامی به منظور شکست انقلاب ایران انجام می‌گردد، محکوم می‌کنیم.

شرکت‌کنندگان در سمینار پویزه تفر خود را از تجاوز اخیر نظامی ایالات متحده علیه ایران، که با هیچ بهانه‌ای، حتی آزادی گروگانها، توجیه‌پذیر نیست، ابراز می‌دارند. ما ایمن فعالیتها را تجلی تشدید سیاست دیوانه‌وار انحصارات بین‌المللی علیه مبارزات عادلانه همه خاق‌های سراسر جهان می‌دانیم. ما مانورهای همه نیروهای ارتجاعی منطقه و جهان را علیه انقلاب ایران، علیه مبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران محکوم می‌کنیم و معتقدیم که این تحرکات خطر بزرگی برای صلح و امنیت آسیا و سراسر جهان است. ما نمایندگان جوانان و دانشجویان ایران در مبارزه دشوارشان ایمان داریم و همبستگی عمیق خود را با مبارزه عادلانه‌شان ابراز می‌داریم. زنده باد همبستگی ضدامپریالیستی، صلح و دوستی!

پایه مشترک سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران و فدراسیون جوانان دموکرات عراق

فدراسیون جوانان دموکرات عراق، یکی از سازمان‌های رزمنده جوانان متوقی عراق است که سهم ارزنده‌ای در مبارزات جوانان این کشور علیه رژیم ضددموکری عراق به عهده دارد. تاکنون دهها نفر از اعضای این سازمان در زیر شکنجه‌های دژخیمان حاکم بر عراق به شهادت رسیده‌اند و صدها نفر در شکنجه‌گاهها و زندانهای رژیم ضددموکری عراق زندانی شده‌اند. این سازمان در مبارزات مسلحانه علیه رژیم دیکتاتوری عراق نیز نقش فعالی به عهده دارد. همیشه نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، که برای شرکت در سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان به یمن دموکراتیک رفته بودند، با هیئت نمایندگی فدراسیون جوانان دموکرات عراق ملاقات کردند. در پایان این ملاقات، بنایه مشترک زیرین صادر شد:

جوانان ترقی در عراق اعمال می‌گردد، محکوم کرد. سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، همچنین حمایت خود را از مبارزه فزاینده نیروهای میهن‌دوست و ترقی در عراق، به منظور سرنگونی رژیم دیکتاتوری بغداد و استقرار حکومت مردمی تأمین حق خود-مختاری برای خلق کرد ابراز داشت. طرفین جنایت نفرت‌انگیز مقامات حاکم بر عراق، یعنی قتل امام محترم محمدباقر صدر را شدیداً محکوم کردند و تفر خود را از ترور گسترده علیه بیش از ۲۰ هزار عراقی، که به بهانه ایرانی‌اصول بودن از عراق بیرون رانده می‌شوند، اعلام داشتند. این عمل غیرانسانی بیش از ۳ هزار دانشجوی ترقی، دموکرات و مستقل را، که اعضای فدراسیون جوانان دموکرات عراق و اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق (کوسری) هستند، دربر می‌گیرد. در پایان، دو سازمان دوست عزم خود را بر گسترش کوشش به منظور تداوم و هماهنگی مواضع‌شان و تبادل تجربیات در همه سطوح و تحکیم پیوندهای مبارزاتی میان یکدیگر ابراز داشتند.

مدام امپریالیسم، صیونیسم و نیروهای ارتجاعی جهان را، که با حمایت‌های فزاینده از سوی آمریکا، در چپنا در ایران به منظور متوقف ساختن تکامل ترقی‌ناپذیر انقلاب ایران، صورت می‌گیرد و پویزه نفس شوم رژیم دیکتاتوری عراق علیه انقلاب ایران را شدیداً محکوم کرد. سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران متقابلاً همبستگی خود را با مبارزه مردم، جوانان و دانشجویان عراق به خاطر دموکراسی و علیه تفریقات و ترور خونین حاکم بر توده‌ها و نیروهای ترقی عراق اعلام داشت. سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، عملیات تروریستی رژیم عراق را، که توسط باسصلاح اتحادیه ملی دانشجویان عراق NUIS و باسصلاح فدراسیون عمومی جوانان عراق GFYJ علیه جوانان و دانشجوین

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران فدراسیون جوانان دموکرات عراق

کارگران خواستار اجرای بدون قید و شرط حقوق و آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند. تامین آزادی بیان، عقیده، قلم، اجتماعات، احزاب و جمعیت‌های صنفی خواستهای اجتماعی طبقه کارگر ایران را تشکیل میدهد.

زمینه‌های همکاری در اوپک...

پتیه از صفحه ۱ قرار دهنده، که بتواند روزی علیه منافع حیاتی آنها بکار گرفته شود. تصمیمات سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت مقدمه خوبی برای کار ۱۵۷ امین کنفرانس اوپک در الجزایر است. بر مبنای این تصمیم، کنفرانس الجزایر می‌تواند به یکی از هدفهای اساسی خود، که جلوگیری از افزایش بی‌رویه استخراج و صدور نفت از جانب یکی دو عضو سازمان، به نفع سایرین است، نائل آید. هماهنگی در اتخاذ این تصمیم، که کشورهای عربی صادرکننده نفت خود زمینه مساعدی برای قبول آن فراهم آورده‌اند، امریست که جا دارد در مرکز دید کلیه شرکت‌کنندگان در کنفرانس الجزایر قرار گیرد. دول امپریالیستی سعی دارند روی نکات اختلاف و نفاق در

در محاکمه علوی، فرمانده پیشین نیروی دریایی فاش شد: علوی مدارک مربوط به آمریکائی‌ها را به خود آنها بازگرداند

عمل رژیم سابق توسط علوی در پستهای مهم گمارده شده بودند

در جریان محاکمه فرمانده پیشین نیروی دریایی به اتهام رابطه با توطئه کران آمریکائی، در جلسه نخست، که روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت، برگزار شد، نماینده دادستان پس از خاتمه دفاعیه علوی، به پاسخ به موارد مختلف آن پرداخت. وی در ابتدا گفت:

«علوی، عکسهای قاب‌کرده از شاه مخلوع مهرخانه‌اش بود. این تکه‌ها عکس‌های تعلق خاطر است. انسان تا چه چیز علاقه‌ای پیدا نکند، آنرا در خانه نگه نمی‌دارد. مهم‌تر از این وقتی ایشان از ارتش بازنشسته شدند و رفتند بیرون، در این مودم یک دست بدامان آمریکائیها، رفتند یک شرکت آمریکائی که وسایل الکترونیکی را می‌ساخته و وایکام دو جاسوسی بوده.»

نماینده دادستان سپس افزود: «از لحاظ اینکه پرسنل ایشان را دوست داشتند، عرض کنم مدارکی وجود دارد که در مورد ناخدا دوم محمدباقر ولایی، که از عناصر مزدور بوده، وقتی ایشان را در مقام مهمی می‌گذاشتند، پرسنل از او اظهار ناراضی می‌کنند. مدرکی وجود دارد که ناسروان حمید احمدی را، که خودش خدمتی کرده بود، به رژیم قبلی ایشان تأیید کرده و در مقامی قرار داده است. افزون‌تر از این ناراضی کرده‌اند. حتی در یکی از چیزهای او، این افسر را لایق می‌نویسد، با وجود اینکه از سوابقش خبر دارد، می‌نویسد افسر لایقی است و اینکه از سوابقش پرسنل ...»

آنگاه نماینده دادستان در جواب علوی که گفته بود: «با توجه به اینکه اداره دوم مقام هماهنگ‌کننده بود و نه مقام تصویب کننده... و ملاقاتهای ذکر شده را نمی‌توان ملاقاتهای غیرمجاز تلقی نمود...» اظهار داشت: «در مورد اتهام دیکر درست است که اداره دوم فرماندهنده نیست، ولی اداره دوم در زیر فرمان ستاد مشترک که حکومت دارد بر سه فرمانده نیروی دریایی، هماهنگ‌کننده است. فرمانده نیروی هوایی، نیروی دریایی، نیروی زمینی خودسرانه نمی‌توانند با افراد بیگانه تماس حاصل کنند. اگر مسئله مسئله مالی است و قطعات یدکی است، وزارت دفاع ملی مسئول این است...»

نماینده دادستان سپس در جواب علوی که گفته بود: «... در ملاقاتهای مذکور طبق متن انگلیسی موجود، مطالب مورد نظر را مسائل آموزش و قطعات یدکی زیر دریایی را تشکیل می‌دهد که در نتیجه لزوم انگش آنها به مقامات خارج، احساس نمی‌گردد...» گفت: «... اداره دوم سراً تحت اعلام کرده که به بر نامه گذاشته است، اگر هماهنگ‌کننده است شما از سه بر نامه خارج شده‌اید. این به چه مجوزی بوده است؟ شما که اعلام می‌کنید صحبت راجع به قطعات یدکی بود، چرا صورت جلسه نگرفتید؟ در تمام جلساتی که آمریکائیها حضور داشتند، چه کجکرتین صحبت از آنها ضبط کرده و نوشته‌اند که چه طور می‌خندیدند، همه چیز را نوشته‌اند. این آقایان در مقام فرماندهی نیروی دریایی صورت جلسه نگرفته‌اند که یک ساعت، دو ساعت... با این افراد مذاکره کرده‌ایم، اما چه بوده، معلوم نیست...»

در این باره نماینده دادستان خطاب به علوی گفت: «... در آن نامه که از لانه جاسوسی تصرف شده، این مستلزم این است که دارای زمینه‌های قبلی بوده و ملت ایران از آمریکا منجر می‌شوند. بالاخره منجر به تصرف لانه جاسوسی می‌کنند. این انزجار در مهرماه بوده، در شهریور بوده... به چه مجوزی ایشان در مهرماه ۲ میلیون تومان پول ملت را حواله می‌کنند به آمریکا برای قطعات یدکی؟ شما می‌توانید ادعا کنید که من فرمانده نیروی دریایی نیستم، چگونگی خبر نداشتید، مگر سوابق آنها را زیر دست، تحت امر شما نبود؟»

در جلسه دوم، که روز سه شنبه ۱۳ اردیبهشت تشکیل شد، فرمانده سابق نیروی دریایی به موضوع مجدد از خویش پرداخت. ریاست دادگاه نیز به یکی از پیشنهادهای داخلی اداره دوم اشاره کرد که چگونگی ملاقاتها را یادآور شده بود و سپس تعدادی از ملاقاتهای علوی را، که با وابستگان نظامی کشورهای خارجی انجام شده و به اداره دوم نیز اطلاع داده شده بود، یادآوری کردید، که از جمله ملاقات با آمریکائی‌ها یاد کردید، و افزود که دو ملاقات دیگر را اداره دوم مطلع نبوده است. در پایان یکی از شهود در مورد خارج کردن مدارک به فرمان علوی گفت:

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب‌ماندگی دهات و روستاها

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب‌ماندگی دهات و روستاها می‌باشند. انقلاب ایران باید هر چه سریعتر و قاطع‌تر بساط بزرگ مالکی را برچیند.

ضد انقلاب به دفتر حزب توده ایران در چالوس حمله کرد

یکی از رفقا که توسط مهاجمین از طبقه دوم ساختمان به خیابان پرتاب شده است، در حالت اغشاء بسر می‌برد

صبح دیروز برای چندین بار عوامل ضدانقلاب به دفتر حزب توده ایران در شهرستان چالوس حمله کردند. در این حمله یکی از رفقای حزبی از پنجره طبقه دوم دفتر، با سر به خیابان پرتاب شد و به شدت آسیب دید. این رفیق تا عصر دیروز در حالت اغشاء بسر می‌برد و حالت بسیار وخیم بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که عده‌ای عناصر مشکوک در ساعت ۱۱ صبح دیروز به دفتر حزب توده ایران در چالوس حمله کردند و بعد از پاره کردن چند پلاکارد، در آهنگی دفتر را شکستند و وارد ساختمان شدند. رفقای که در دفتر حزب بودند، از سپاه پاسداران و کمیته انقلاب به تفریب تقاضای کمک کردند، ولی متأسفانه به تقاضای آنها ترتیبی اثر داده نشد. این عناصر ضمن تصرف کردن رفقای داخل دفتر، یکی از آنها را به نام مرتضی گرجی از طبقه دوم یا سر به خیابان پرتاب کردند، که در نتیجه آن این رفیق به شدت آسیب دید.

در پی این حمله، همان ۶ نفر از رفقا که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند، به وسیله همان افراد به شهر پاریس فرستاده شدند و تا عصر دیروز در آنجا ماندند و سپس آزاد شدند.

در این هجوم خسارات بسیاری نیز به دفتر حزب وارد آمد. طبق آخرین اخبار رسیده تا عصر دیروز رفیقی که به خیابان پرتاب شده همچنان در حالت اغشاء بسر می‌برد. در این واقعه علیرغم آنکه شهربانی چالوس در مقابل دفتر حزب توده ایران قسراً وارد شد، هیچگونه اقدامی از جانب مسئولین آن برای ممانعت از حمله ضد انقلابیون بعمل نیامد. ما ضمن اعتراض شدید به این اعمال ضدانقلابی و محکوم کردن آن، خواستار رسیدگی جدی و فوری مسئولین اس به حادثه و دستگیری و مجازات سببین آن هستیم.

در ترجمه مقاله طریق الشعب منتشر در نامه «مردم»، شماره ۲۵۳، صفحه ۶، «... انقلاب ۱۹۵۶ عراق است...» نادرست و صحیح آن «... انقلاب ۱۹۵۸ عراق است...» و همچنین نام برادر صدام حسین «بزرگان» نادرست و صحیح آن «بزرگان» است.

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه مردم در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و متغیر خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همین دستاوردهای آزادی-خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه مردم «...» مراجعه کنند. بهاساس - نامه مردم

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

در باره نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «دو ابر قدرت»

مائوئیسم است و تاکنون بصورت‌های مختلف، در شرایط ویژه جنبش‌های رهاختاری بکار گرفته شده است و جزوایان برای این جنبش‌ها و مسوولان هنگفت برای امپریالیسم بیابان‌نورد است. همین جهت ما هرگز از توضیح مبانی غیرعلمی و نادرست این نظریه و افشای ماهیت ضدانقلابی آن برای نیروهای انقلابی صادق اما سردرگمی که هنوز از تجربه کافی برای شناخت دوست از دشمن و تشخیص راه از چاه برخوردار نیستند، خسته نخواهیم شد. بخصوص که در شرایط محاصره اقتصادی و خطر تجاوز نظامی امپریالیسم، افشای این توطئه امپریالیستی و شناساندن دوست و دشمن انقلاب با در صحنه جهانی، برای پیروزی نهایی انقلاب اهمیت حیاتی دارد.

نظریه «دو ابر قدرت» نظریه‌ای غیرعلمی است

نظریه «دو ابر قدرت»، نظریه‌ای غیرعلمی و مبتنی بر تخریب واقعیت‌ها و غیرقابل انکار دنیای معاصر است. میدانیم که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا از قدرت اقتصادی و نظامی فوق‌العاده و برتری از کشورهای دیگر برخوردارند. با استناد به وجود این تشابه در سطح رشد مادی وقتی این دو کشور، میتوان این هر دو دولت را «دو ابر قدرت» نامید. اما چگونه میتوان با اتکاء به این تشابه در برخی نمودها، ماهیت دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم را یکسان دانست، خلقت طبقاتی متفاوت این دولت‌ها را نفی کرد و هدف‌های سیاسی آن‌ها را یکی دانست و راه‌های پیش‌بینی علمی و منطقی نیز داشت؟ اتحاد شوروی یک کشور سوسیالیستی است که در آن قدرت حاکم در دست پرولتاریات و ایالات متحده آمریکا یک کشور امپریالیستی است که در آن قدرت حاکم در دست بورژوازی است. سفسطه از این امر آشکارتر میشود که بگوئیم چون قدرتی را «دو ابر قدرت» و «دو ابر قدرت» نامیم پس این هر دو نفر، یکی هستند و یک هدف را دنبال میکنند!

واقعیت دیگر اینست که روی کره زمین، هر جا که انقلاب و جنبش انقلابی وجود دارد، هر جا که استقلال‌طلبان با استعمارگران می‌جنگند، هر جا که ترقی‌خواهان با مترجمین می‌زنند، هر جا که صلح‌طلبان با جنگ‌افروزان مقابله میکنند و در هر گوشه‌ای که زحمتکشان برای احقاق حقوق خود مبارزه میکنند، اردوگاه سوسیالیسم و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، از انقلاب، استقلال، ترقی، صلح و رفاه زحمتکشان دفاع می‌کند و برعکس، امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، مستبدی غیرمستقیم با ضدانقلاب، با استعمار و استعمارنویز، با ارتجاع، با جنگ‌طلبان و با منافع سرمایه‌داران کلان‌وزمینداران بزرگ پیوند دارد.

در عمل اتحاد شوروی قدرت اقتصادی و نظامی خود را که محصول مناسبات تولیدی سوسیالیستی است، برای شکوفائی هر چه بیشتر جامعه فارغ از استعمار، برای دفاع از اردوگاه سوسیالیستی، برای حفظ صلح، برای کمک به جنبش‌های رهاختاری ضد امپریالیستی، برای پشتیبانی از دولت‌های ملی و دموکراتیک، برای مقابله با تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم بکار می‌برد. برعکس، امپریالیسم امپریالیستی از قدرت اقتصادی و نظامی خود، که محصول مناسبات تولیدی سرمایه‌داریست، برای حفظ سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی، برای از بین بردن کشورهای سوسیالیستی، برای برانگیختن جنگ جهانی و جنگ‌های تجاوزکارانه محلی، برای سرکوب جنبش‌های رهاختاری ضد امپریالیستی و برای ساقط کردن دولت‌های ملی و دموکراتیک استفاده میکند. سیاست اتحاد شوروی منطبق با اولادین و ترقی‌ترین آرمان‌های بشری است و سیاست امپریالیسم امپریالیستی، بازتابی است از منافع سرمایه‌داری استعمارگر و تجاوزکار امپریالیستی.

خلقیات بیخاسته جهان، از ویتنام تا فلسطین و از کوبا تا لیبی و هربران انقلاب آنجا هوش‌منها و عرفات‌ها، کاستروها و قذافی‌ها و در کردار و گفتار خود همواره این واقعیت غیرقابل انکار را تأیید کرده‌اند. و در واقع چگونه میتوان مدعی واقعیتی و جستجوی حقیقت بود و این حقیقت آشکارا انکار کرد؟

نظریه «دو ابر قدرت» ضدانقلابی است

دردوران ماشریت باشتاب روزافزونی بسوی استقرار صلح پایدار و آزادی خلق‌ها و براندازی استعمار فراد فرود پیش میرود. انقلاب‌هایی که در دوران ما رخ میدهند، هر یک پدیده‌ای است که نشانگر، بنام هدف خدمت میکند. نیروهای که جنبش انقلابی جهان را در راه دست یافتن به صلح پایدار و آزادی خلق‌ها و رهایی از استعمار رهبری میکنند، اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، و خلق‌های بیخاسته در جنبش‌های رهایی‌بخش ملی هستند. پیروزی هر چه زودتر بشریت در راه نیل به این اهداف، در گرو همبستگی و اتحاد هر چه مستحکمتر این نیروها علیه امپریالیسم پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن مشترک همه آنها و دشمن بشریت است. هر نظریه‌ای که در راه این اتحاد و همبستگی برای پیشبرد انقلاب جهانی مانع ایجاد کند و به آن آسیب برساند، نظریه‌ای ضدانقلابیست. نظریه «دو ابر قدرت» هم خصوصیات لازم برای اخلاص در این اتحاد، بسود امپریالیسم را داراست و از اینرو نظریه‌ای است در اساس و ماهیت ضدانقلابی. برای درک جامع و عینی این مسئله بهتر است بینیم یکی دانستن ماهیت دو نظام سرمایه‌داری امپریالیستی و

گام امپریالیسم از مقابل آن، بیشترین منافع ممکن را برای ضدانقلاب جهانی تحصیل میکند. ماهیت ضدانقلابی نظریه «دو ابر قدرت» را از این تجلیات آشکار آن در عمل و در واقعیت میتوان دریافت. چگونه میتوان انقلابی بود و با امپریالیسم آملانه به ستیز برخاست و در عین حال با تبلیغ آگاهانه این نظریه ضدانقلابی، اینگونه به امپریالیسم یاری رساند؟

نظریه «دو ابر قدرت» محصول مشترک امپریالیسم و مائوئیسم است

نخستین بار کائوتسکی مرده سوسیال دموکراسی راست اروپایی، نظام نوامسترات در جامعه شوروی را نوعی «سرمایه‌داری دولتی» دانست. در زمان ما نیز، این حکم کائوتسکی مرتد مفسور نظریات سوسیال دموکراسی راست اروپایی را در باره کشورها، به اشکال و ترکیب‌های مختلف تشکیل میدهد. سوسیال دموکراسی راست اروپایی امروز در برخی کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری در دست قدرت قرار دارد و در برخی دیگر «لویزیسیون» قدرتمندی است. اما در هر دو حالت رهبران این جریان سیاسی، بصورت حاسان و کارگزاران انحصارات امپریالیستی و متحدان سرسخت امپریالیسم آمریکا درآمدند.

تقسیم هیتلری به اتکای نظریاتی از این قبیل برای خود «سیاست آزادی‌سازی» خلق‌های شوروی از قید «استبداد بلشویکی» را قایل بودا هنگامیکه خلق‌های شوروی یوپی‌های هیتلرا درواپش‌ها بر سرش آوار کردند، اردوگاه سوسیالیسم بوجود آمد و جنبش‌های رهایی‌بخش جان تازه‌ای گرفتند. رسالت فاشیسم هیتلری به امپریالیسم آمریکا محول شد. سازمان‌های جاسوسی کشورهای امپریالیستی و در رأس آنها سازمان سیا و دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی اینک با قیاس به نفس، سیاست دولت شوروی را سیاست تهاجمی و جهان‌نوازان توصیف میکنند. جهان را از خطر تهاجم کمونیسم میترسانند، و تحت لوای سیاست جنگ سرده در کنار پرتگاه جنگ اتمی، کیسه انحصارات امپریالیستی را انباشته‌تر از پیش می‌گردند. آل‌دالیس، چهره آمریمنی و شخص جنگ سرده، شاید بیش از هر کس دیگری در طول تاریخ، بشریت را از سیاست تهاجمی و سلطه طلبانه دولت اتحاد شوروی ترسانده است. هزمان با شکل گرفتن گونه جدید نظریه «دو ابر قدرت» و تئوری «سه جهان» در چین مائوئیستی و اندک‌پیش از آن، برخی از جامعه‌شناسان بورژوازی در لاتوا راه‌های تئوری-سازي انحصارات امپریالیستی به کنش تئوری‌های «نوی» دست یافتند، که مضمون اصلی آنها همان تئوری «دو ابر قدرت» و سازش و نزدیکی آنهاست. جامعه‌شناسانی از زنجیره والت روستو، در بیان سالها با کمک و پشتیبانی مادی و معنوی انحصارات امپریالیستی دست به همان تفسیر نظریه‌هایی رسیدند که اندکی بعد به صورتی دیگر در چین مائوئیستی سر مهندسی شد. تئوری «جامه صنعتی»، نظریه «بلبل غنی و فقیر»، تئوری «همکاری» دوسیستم سرمایه‌داری و سوسیالیسم، در آخرین تحلیل چیزی جز همان نظریه «دو ابر قدرت» در بسته‌بندی لوکس و سباب طبع روشنفکران بورژوازی نیستند. تاریخ نشان داده که این وحدت نظر مابین مائوئیست‌ها و امپریالیست‌ها در تحلیل واقعیت‌ها جهان‌بی‌چوجه اتفاق نبوده است.

از سال‌های آغاز خیات داروسته مائو به جنبش انقلابی جهانی، نقطه نظر‌های کائوتسکیست‌ها، تروستکیست‌ها، دالیس‌ها و جامعه‌شناسان خدمتکار امپریالیسم، درقه‌لبی‌های نوین و باجابه عاریتی مارکسیسم، وسیله توجه خیات ناخوشودنی مائوئیست‌ها قرار گرفت. مائوئیست‌ها ترکیب‌های مختلفی از این نظریات را ابتدا بصورت تئوری «مناطق بین‌ای» و بعد بصورت تئوری «دو ابر قدرت» و سرانجام بصورت نظریه «سه جهان» درآوردند. هست اصلی این نظریه‌ها آشکارا همانست که امپریالیست‌ها ساخته و پرداخته بودند: نظام حاکم بر جامعه شوروی گونه‌ای از سرمایه‌داری دولتی است (کائوتسکی). این نظام هر روز به نظام سرمایه‌داری امپریالیستی اصلاح شده اروپایی و امریکایی‌های شباهت بیشتری پیدا میکند (والت روستو). بنابراین سیاست دولت شوروی همان هدف‌های امپریالیست‌هاست که سیاست امپریالیست‌ها دنبال میکند (سازمان سیا)!

نادرستی این اتهامات، به اتکای علم و فاکت‌ها و آمارهای دقیق و مفصل بارها به اثبات رسیده است و تکرار آنها در حوصله این مختصر نمی‌گنجد. تنها یادآوری میکنیم که واقعیت‌ها و عینیت‌ها قابل انکار جهان هر روز بیشتر از دیروز، سازندگان و صادرکنندگان این نظریات را رسوا میکند. زندگی مادی و معنوی زحمتکشان در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هر روز مرفه‌تر و پربارتر میشود. دموکراسی سوسیالیستی هر چه شکوفاتر و زحمتکشان اردوگاه سوسیالیسم در اداره جوامع خویش هر چه فائزتر میشوند. اردوگاه سوسیالیسم و در مرکز آن اتحاد شوروی، پیوند ناگسستی خویش را با جنبش کارگری در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی- با امپریالیسم سرمایه‌داری وابسته، استعمار فرد از فرد، استبداد و ثنودالیسم، هر روز مستحکمتر میکند. خلق‌های جهان در عمل انقلابی روزمره خویش بر اهلیت این پیوند در ساختمان جهانی آزاد و انسانی مهر تأیید می‌زنند. در همین حال چهره ضدانسانی میترکان تئوری «دو ابر قدرت» و نظریه «سه جهان» هر چه بیشتر افشا میشود. مائوئیسم امروز دستار رسوای راهزنان و چناتیکاران امپریالیست و قبل از همه و پیش از همه امپریالیسم آمریکا است. سوسیال‌دو کراسی راست اروپایی سرنوشته‌ی تیزتر مائوئیسم ندارد. خلاصه دالیس‌ها یا خاطر هیتلر پیوند پیونده خورده است، سازمان ماری خود از شناخت خویش و حجت میکند. و جامعه‌شناسان کارگزار امپریالیسم اروپای غربی و امریکا بر ویرانه تئوری‌های از اعتباراتاده خود در تلاش یافتن تئوری‌های جدید ضدانسانی هستند.

در این میان سرنوشته مائوئیست‌ها از همه تشبیه‌آیزتر است. مائوئیست‌ها همان مانند امپریالیست‌ها، در آغاز کار برای بقیه در صفحه ۶

سوسیالیسم، نفی خلقت طبقاتی متضاد دولتهای سوسیالیستی و امپریالیستی و یکی دانستن هدف‌های سیاسی این دولتها بطور عمده بسود چه کسانیت؟ بسود امپریالیسم و وابستگی روستاها و روستاها، یا آنچه‌ای که برخی از ناسیونالیست‌های تنگ نظر، با رنگ «چپ» یا راست، عنوان میکنند، بسود جنبش رهایی‌بخش ملی؟

۱- نظریه «دو ابر قدرت» خلقت طبقاتی دولت آمریکا، و این مساله را که این دولت مدافع منافع بورژوازی استعمارگر و تجاوزکار امپریالیستی است، استوار میکند و آنها میکند که گویا سیاست امپریالیستی و سلطه‌جویانه دولت آمریکا ناشی از قدرت فوق‌العاده این دولت است. بنابراین اگر بهر صورتی دولت آمریکا قول بدهد و یا حتی مجبور بشود که از زورگویی و سلطه طلبی دست بکشد، دیگر امپریالیست نیست و میتوان با آن مناسبات سیاسی و اقتصادی آزاد و برابر و دوستانه داشت. اتفاقاً امپریالیسم آمریکا، زمانی که برای بازگشتن، مواضع از دست رفته خود، با گردن کجی از سیاست‌های گذشته خود «دو ابر قدرت» نامید، دست همین نظر را دارد. اما چه کسی نمیداند که توبه گرگ مرگ است؟

۲- نظریه «دو ابر قدرت» و بویژه تئوری «سه جهان» که ادامه و دنباله منطقی این نظریه است، ادعا میکند که کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن، از آنجا که از قدرت فوق‌العاده برخوردار نیستند، امپریالیست هم نیستند. روشن است که چنین نیست. امپریالیسم مرحله‌ای از رشد جامعه سرمایه‌داری است، که با تشکیل انحصارات و ایجاد سرمایه مالی و مصدر سرمایه شخصی میشود. هر کشور سرمایه‌داری که به این مرحله از رشد برسد یک کشور امپریالیستی است که میکوشد غارت خلق‌ها را، بهر شکل که بتواند - تا حد تجاوز نظامی- بسود خود تأمین کند. نظریه «دو ابر قدرت» با نفی این واقعیت، زمینه را برای تسلیم خلق‌ها به منافع استعماری امپریالیست‌ها کوچک آماده میکند.

۳- سیستم امپریالیستی امروز در مجموع یک سیستم یکپارچه و بهم پیوسته است. بین المللی شدن سرمایه انحصاری در قالب شرکت‌های چند ملیتی و همپیوندی روزافزون اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری، منافع دولتهای کوچک و بزرگ امپریالیستی را یکپارچه و یک کاسه کرده است. تضاد مابین این دولتها، که البته هنوز هم وجود دارد، از طراز تضاد مابین غارتگران بر سر تقسیم غنایم است.

نظریه «دو ابر قدرت» این واقعیت را برده پوشی میکند و طرفداران آن با کوشش برای برقرار کردن روابط گسترده اقتصادی با امپریالیست‌های کوچک، به امپریالیسم آمریکا نیز اجازه میدهند که از کانال انحصاری چند ملیتی غارت امپریالیستی خلق‌های ازبند در دست را ادامه دهد.

۴- نظریه «دو ابر قدرت» خلقت سوسیالیستی دولت اتحاد شوروی و این حقیقت را که این دولت مدافع منافع کارگران و زحمتکشان و پیشانیان مبارزه‌طلب در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم است، منکر میشود و با قرار دادن اتحاد شوروی در کنار امپریالیسم آمریکا در بیان خلق‌های بیخاسته به اعتماد نسبت به اردوگاه سوسیالیسم را ترویج میکند. از آنجا که در دنیای امروز، رهایی از زنجیر وابستگی به امپریالیسم جهانی و کسب استقلال واقعی بدون استفاده از کمک‌های اقتصادی، فنی و علمی بی‌چشمداشت اردوگاه سوسیالیستی ممکن نیست، این نظریه با ترویج این بی‌اعتمادی، جو سیاسی را برای آسایش و وابستگی به بازار سرمایه‌داری جهانی و در مرکز آن امپریالیسم آمریکا آماده می‌کند.

۵- نظریه «دو ابر قدرت» با جاگذاری جنبش‌های رهاختاری از متحدان اصلی و طبیعی آنها، در صحنه جهانی، مابین نیروهای ضد امپریالیستی تفرقه ایجاد میکند، این جنبش‌ها را در دفاع از خویش تنها میگذارد و شرایط مناسب را برای سرکوب قلمی آنها فراهم می‌سازد.

۶- نظریه «دو ابر قدرت» پوشیده و آشکارا سیاست نژادپرستی، سابقه تسلیحاتی، تدارک جنگ جهانی و تجاوزها و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را توجیه میکند، زیرا آشکارا مدعی آنست که همه اینها برای مقابله با «دو ابر قدرت» دوم، یعنی اتحاد شوروی لازم است.

۷- این نظریه لااقل تئوری‌های جنایات بیچاره امپریالیسم آمریکا در تجاوز به حقوق خلق‌ها در سراسر جهان تحت ستم تیره میکند و گناه آنها را به گردن اتحاد شوروی می‌اندازد، زیرا از دیدگاه این نظریه بهر حال هر دو «دو ابر قدرت» مسئول این جنایات هستند. از این طریق این نظریه برای امپریالیسم بی‌آبروی آمریکا حیثیت و اعتبار نیز دست‌وپا میکند.

اینها نفوس منافع و مقاصد است که امپریالیسم آمریکا و وابستگانش از ترویج نظریه «دو ابر قدرت» انتظار دارند. روشن است که ترویج این نظریه در شرایط اوجگیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های جهان و عقب‌نشینی گام‌به

در همین ستم‌دیده ما امروز یکی از پرشکوهرترین و پرشکوهرترین جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های جهان جریان دارد. انقلاب دوم ایران هر روز پرتوان‌تر و پرخروش‌تر از دیروز پیش‌می‌آید و به لحظه برخورد نهایی و سرنوشته‌ساز با امپریالیسم و ارتجاع جهانی نزدیک‌تر میشود. تاریخ کم‌سال‌ها کشته‌های کمترین خیزش عظیم توده‌های راه که شعارها و آرمان‌هایش در اعماق روح و جان توده‌های زحمتکش رسوخ کرده باشد، یاد دارد. این جنبش از لحاظ بداعت شیوه‌ها و روش‌های مبارزاتی و از نظر سنگینی ضربه‌ای که در نخستین نبردها بر امپریالیسم وارد کرده است، در مقیاس جهانی نیز نمونه‌وار است.

انقلاب با علیرغم عظمت و اهمیت، علیرغم حساسیت تاریخی و دشواری پیغام سرنوشته‌ساز که با امپریالیسم آغاز کرده است، و علیرغم کوشش‌های خستگی ناپذیر نیروهای مترقی و از جمله حزب توده ایران، هنوز نتوانسته است در جبهه درونی بر مشکلات و دشواری‌های فراوانش غلبه کند و به انجم و یکپارچگی متناسب با یکپارچگی که در آن درگیر شده است، دست بیابد. هنوز مسرتترین پیش شرط پیروزی بر امپریالیسم، اتحاد خلق، اتحاد نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم، چنانکه باید، تأمین نشده است. گذشته از این، یکبار ما با امپریالیسم روز بروز ابعاد وسیع‌تر و جبهه‌های پیچیده‌تر می‌گیریم. امروز انقلاب ایران در تیویورک با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا دشواری امنیت، در راه با شکل دیگری از این توطئه‌ها، در اروپا با جبهه امپریالیستی بازار مشترک، در ترکیه با کارشکنی‌ها و توطئه‌های سکارانه امپریالیسم ژاپن، در لندن با توطئه اشغال سفارت ایران، در خاورمیانه با اتحاد ضد انقلابی مصر و اسرائیل، و در کنار گوشش، با تلاش مذبح‌خانه‌نویز یعنی عراق درگیر شده است. اما علیرغم این دشواری‌ها، هنوز در سطح جهانی نیز مسرتترین پیش شرط پیروزی این مبارزه، اتحاد انقلاب ایران با دوستانی در سطح جهانی علیه امپریالیسم، هنوز چنانکه باید، تأمین نشده است.

آری، ما هنوز نتوانسته‌ایم در جبهه‌های درونی و بیرونی انقلاب، صفوف نیروهای خودی را در برابر دشمن یکپارچه کنیم و همه قلم‌ها و سلاح‌ها را علیه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، متوجه کنیم. اما دشمنان ما در ایران و خارج می‌نمانند، از بدتها پیش، علیه انقلاب ما متحد شده‌اند. امپریالیسم و ارتجاع در سطح جهان علیه انقلاب ما بسیج شده‌اند و همه سلاح‌ها و قلم‌ها را بسوی انقلاب نشانه رفته‌اند. و مهم‌تر اینکه آتشبارهای امپریالیسم و ارتجاع جهانی بطور عمده و با دقت تمام روی نقاط ضعف انقلاب ما را نشانه رفته‌اند.

اگر مسرتترین نقطه ضعف مادر جبهه درونی، برانگیزی نیروهای انقلابیست، ضد انقلاب با استفاده از شیوه‌های گوناگون می‌کوشد این برانگیزی را تشدید کند، و باید اذعان داشت که در این امر موفقیت‌هایی هم داشته است. نیروهای وابسته به امپریالیسم در داخل، چنانکه حزب توده ایران بارها و بارها و بارها نشان داده است، از یک سو با ایجاد گروه‌های چپ‌نما و خرابکار و رسوخ در میان آنان، و با یاری گرفتن از اشتباهات نیروهای چپ‌نما، در تلاش‌اند که هر روز پرتوان‌تر از دیروز بر بطن توخالی دخل کمونیسم، و خطر ابر قدرت شرقی، بکوبند و هر چه بیشتر مسلمانان انقلابی را از این خطر بوج بترسانند و آنان را به مبارزه با دشمنی خیالی سرگرم کنند و انقلاب را در برابر نفوذ سیاه و فرستند. از سوی دیگر این نیروها با رسوخ در میان گروه‌های راست افراطی، با استفاده از تفرقه‌گری و تمسبات نیروهای ناآگاه، با همکاری لیرال‌ها و راست‌گرایان در درون و بیرون هیئت حاکمه، خرابکاری چپ‌نمایان و افراطیگری چپ‌ران را تحویل می‌گیرند، در بزرگنمایی آن میکوشند و نیروهای صادق اولیه آنان علیه کمونیست‌های راستین، علیه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اردوگاه سوسیالیسم تحریک و بسیج میکنند. حاصل کار، تشدید ضعف جبهه داخلی انقلاب است.

خوشبختانه انرژی انقلابی و هشیاری زحمتکشان و نفرت آنان از امپریالیسم و نیز قاطعیت و هوشیاری رهبر انقلاب با تدبیر است که جنبش توده‌ها همچنان از امکانات کافی برای مقابله با امپریالیسم برخوردار است.

این روزها با توسعه جبهه نبرد با امپریالیسم در سطح جهانی، کوشش ضد انقلاب با کمک چپ‌نمایان، سازشکاران و راست‌گرایان برای افزایش سردرگمی در تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب ایران در سطح جهان و خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیر سایه مبارزات انقلابی، نیز اوج تازه‌ای گرفته است. در شرایطیکه خطر رویارویی مستقیم با امپریالیسم آمریکا روز بروز حادث و عینی‌تر میشود، این افزایش تلاش اهمیت بیشتری پیدا میکند. گملا روشن است که امپریالیسم میکوشد در این لحظات بحرانی، انقلاب ایران را در صحنه جهان حتی‌القدور به انفراد بکشد، آنرا از دوستان راستین و نیرومندی‌ها جدا کند و برای هجوم نهایی شرایط مناسب‌تری فراهم سازد. جای ناسف است که بخشی از نیروهای صادق انقلاب، آمادگی بسیاری برای فرو افتادن در این تله خطرناک ضد انقلاب از خود نشان میدهند.

وابستگی امپریالیسم، همچنانکه در تلاش برای برانگیدن نیروهای انقلاب در درون از شیوه‌ها و روش‌های شناخته شده و آزمایش شده استفاده میکنند، در عرصه این نبرد نیز از نظریات و تئوری‌های پیش‌ساخته‌ای، که در صحنه جهانی بارها کارایی آنها «چپ» و راست آزمایش شده است، یاری می‌گیرند. گمانی به مجموعه تلاش‌ها و توطئه‌های امپریالیستی در جهت جدا کردن انقلاب ایران از متحدان طبیعی‌اش در سطح جهان نشان میدهد که محور همه آنها، تبلیغ و ترویج نظریه «دو ابر قدرت» و اقصانه سازش‌انگیز است. نظریه‌ای که محصول مشترک زرادخانه‌های تبلیغاتی امپریالیسم

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

به نارضایتی رانندگان کامیون پایان دهید!

تومان در روز از این طریق بدست می آورند. در ضمن کمترین کمکی به راننده ها نمی کنند. از هنگامی که پیمانکار تعیین شده است، پرداخت کرایه مشمول ۱۰/۵ درصد حق بیمه و مالیات میشود. علاوه بر آن، در حال حاضر یک نفر راننده یا صاحب کامیون، که بار به سیلوی تهران می برد، پس از تحویل بار و دریافت رسید انبار، ناچار است شخصاً به اداره حسابداری مراجعه کند و پس از محاسبه و تنظیم اسناد و مراجعه به چند اطاق برای تکمیل سند و امضاء، تازه پس از دریافت چک برای نقد کردن آن، باید به بانک مراجعه کند و مدتی در صف مراجعین بانک بایستد. حال اگر بانک تعطیل باشد، باید دوروز وقت صرف کند، تا کرایه خود را بگیرد. در اینصورت طبعاً راننده خسته و از راه دور آمده خشمگین و نازا می است.

ناگفته نماند که منظور ایجاد تسهیلات در کارها، بارها از جانب مسئولان سیلوی تهران به مسئولان بندر تقدیم شده است، ولی به این مشاهدات توجه نشده است. باید برای دفع این مشکل هر چه زودتر اقدامی به عمل آید، تا نارضایتی این قشر زحمتکش از بین برود و رانندگان با آسودگی خیال به کار خود بپردازند.

تعلیل شرکت تسلا آرمه به نفع انقلاب نیست

شرکت تسلا آرمه به دو تن از عوامل و سرپرست کارکنان امریکایی آمریکا: ملک زیدی و اعلم تعلق داشت. این دو تن با همدستی درباریان به غارت و چپاول مردم مشغول بودند. پس از پیروزی انقلاب، در ماههای اول دولت موقت این غارتگران ادعا کردند که انقلاب زیان فراوانی بر آنها وارد کرده است و در نتیجه آنها با خطر ورشکستگی روبرو هستند! بنابراین از دولت موقت تقاضای کمک کردند. آنها پس از دریافت مبلغ قابل ملاحظه ای از دولت موقت، فرار از ایران را ترجیح دادند و اکنون با دیگر جنایتکاران، به کارکردن امریکایی آمریکا مشغول توطئه چینی علیه انقلاب شکوهند مردم ایران هستند. این دو خائن فراری در ماههای آخر اقامت خود در دامنداری زد.

در این هنگام سازمان برنامه وارد عمل شد و دو نفر را به سرپرستی کارگاه منصوب کرد. شد انقلاب که شورای منتخب کارگران را از خود میزد. آن را منحل کرد و نیز بین کارگران چند دستگی و تفرقه ایجاد کرد. این شرکت دارای ۱۸۰۰ نفر کارگر و آرتیست و نقش بردار و کارمند است گفتنی است که تعداد ۵۰۰ نفر از کارکنان شرکت قبلاً توطئه کارفرمایان سابق، بیکار شده بودند. جای تأسف است که دولت بجای توسعه شرکتها و جلب هر چه بیشتر کارگران بیکار به کار، خلاف آن عمل میکند. تعطیل شدن شرکت «تسلا آرمه» در درجه اول باعث از هم گسیختن خانواده های ۱۸۰۰ کارگر شریف و زحمتکش خواهد شد و نتیجه آن بیوستن ۱۸۰۰ نفر بیکار دیگر به خیل بیکاران خواهد بود.

در گذشته، کرایه محمولات در امر حمل و نقل به پیمانکاران پرداخت میشد. بزرگترین عیب این کار، اطلاع رسانی و صاحبان کامیون از نرخ پرداختی دولت بود. پیمانکار هم از این موضوع به زیان صاحبان کامیون استفاده میکرد. پیمانکاران از طرفی ضمن ساخت و پرداخت با بعضی مسئولان امر، کرایه گران از دولت می گرفتند و از طرف دیگر به خود و به زیان رانندگان و کامیونداران، تن تیب حمل بار را می دادند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، بر اثر شکایت کامیونداران قراردادها با نرخ تعیین شده به صاحبان کامیونها تحویل شده و کرایه با در نظر گرفتن پرداخت شد. متأسفانه چون دستگاههای دولتی هنوز برای بند مقرران دست و پاگیر گذشته هستند، برای این منظور ظاهر قضیه، یعنی تعیین پیمانکار را حذف کردند. با این جهت دلالت و واسطه ها و صاحبان کارزار، با کمک یکدیگر یک نفر را پیمانکار تعیین کردند. این پیمانکار نماینده کانی دارد که صورت حساب برای صاحبان کامیونها می نویسد. با این ترتیب که از هر کامیونی یک نفر را تکیه از روش مستند دریافت میکنند، و به این ترتیب اگر پیمانکار کامیون بزرگتری شود، حدود پنجاه هزار

کارگران شرکت ایران ترمینال خرمشهر:

به داد پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، طبیعی بود که سرمایه داران وابسته به امپریالیسم از ایران بگریزند. سهامداران شرکت ایران ترمینال (مانند تقیها) نیز مثل دیگر هیأت های خود به خارج از کشور گریختند. کارگران شرکت ایران ترمینال، که امر تخلیه و بارگیری اداره بندر را مستقیماً زیر نظر اداره بندر انجام میدهند و اساساً از این اداره دستمزد می گیرند، طبعاً خواستار آن بوده و هستند که زیر پوشش استخدای اداره بندر قرار گیرند، ولی از بند انقلاب تاکنون به این خواست برحق کارگران زحمتکش ایران ترمینال هیچ گونه جواب مشخص و قانع کننده ای از طرف مسئولین دولتی داده نشده، تا جائیکه کارگران برای رسیدگی فوری مجبور شدند در میادین خود به شیوه های دیگری روی آورند، آنان به هر وسیله ای متوسل

مالیات بردرآمد کارکنان شرکت واحد را لغو کنید!

قبل از پیروزی انقلاب، کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی، اعم از راننده، بلوط فروش، کمک راننده و کارگران فن تعمیر - گاهها هر سال با عقد قرار داد «پیمان دسته جمعی»، از پرداخت مالیات بر درآمد معاف میشدند. اکنون که زمان بستن قرار داد جدید رسیده است، مدیرعامل شرکت واحد از دادن هر گونه امتیازی به کارگران خودداری میکند. پس از نشستهای فراوان مسئولین بانایندگان و کارگران تعمیرگاهها، رانندگان توافق کردند که مالیات بپردازند، مشروط بر این که قبلاً اضافه حقوق دریافت کنند. حال که پرداخت اضافه حقوق از جانب دولت ممنوع شده است، مسئولان امر باید برای رفاه کارکنان شرکت واحد، از دریافت مالیات بر درآمد آنها خودداری کنند.

خواست های زحمتکشان قالیباف در آذربایجان شرقی

- ۱- بافتن نیم تابان در روز و ۱۲ تابان در ماه
- ۲- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی و مزای عمومی
- ۳- حق اولاد برای دو فرزند به مبلغ ۲۰۰۲ ریال
- ۴- حق مسکن ۱۵۰ تومان
- ۵- حق خوار و بار ۸۰ تومان
- ۶- تبدیل دفترچه های بیمه اجتماعی به خدمات درمانی
- ۷- پرداخت ۱۷۰۰ تومان بابت بافت ریز ۲۰
- ۸- برای ریز ۴۰ - ۱۸۰۰ تومان
- ۹- پرداخت ۱۸۰۰ تومان بابت ریز ۵۰

کارگران اخراجی شن و ماسه سازی را به سرکار خود بازگردانید

در شرکت شن و ماسه سازی رود (تهران ساری) ۲۳۰ نفر کارگر می کنند. تمهیدی از آنها با وجود چندین سال سابقه خدمت در این شرکت، تا قبل از پیروزی انقلاب بیمه نبودند. اخیراً صاحب شرکت اقدام به بیمه کردن کارگران کرده است. کارگران از لحاظ بهداشتی و ایمنی در وضع بسیار بدی پس میروند! حقوق کارگران از درآمد افزایش یافته است. در حالیکه طبق پیشنهاد دولت نمی باید این اضافه حقوق از اول فروردین ۵۸ پرداخت شود. با وجود این که در وزارت کار و امور اجتماعی مبنی بر تعیین حداقل دستمزد و افزایش کمک هزینه مسکن، صاحب شرکت به بهانه اینکه قادر به پرداخت مبالغ فوق نیست، ۵۰۰ نفر کارگران را اخراج کرد. کارگران اخراجی ضمن ارسال نامه ای به وزارت کار و امور اجتماعی درخواست کرده اند که هر چه زودتر به وضع آنها رسیدگی شود.

ادامه بیکاری در سطح کشور ضربات سنگینی به طبقه کارگر ایران وارد می آورد. با ایجاد کار در همه زمینه های توسعه اقتصادی - اجتماعی هر چه زودتر بیکاری را از بین بردارید

این روزها که هوا دو بکرمی می رود، برای رفاه حال رانندگان که برای حمل بار به بندر کشور میروند، بایستی تسهیلاتی در نظر گرفته شود. متأسفانه سالن کانی برای استراحت این قشر زحمتکش وجود ندارد. در بندر عباس تنها سالن موجود دارای سقف کوتاه و سیمانی است و گرمی هوا و حرارت آفتاب، رانندگان را ناراحت میکند. آنها دستشویی، توالت و سایر وسائل رفاهی ندارند و از لحاظ غذا و سالن غذاخوری سخت در مشقه هستند. تعداد باسکولها در هر بندر دو دستگاه است که به هیچ وجه جوابگوی نیاز آنهاست. برنامه کننده نیست. رانندگان بایستی ساعتها در گرمای

اخبار کارگری

قرارداد موجود بین کارگران و مسئولان شرکت ایران پرچارد باید تمدید شود

اخیراً ۲۵ نفر از کارگران شرکت «ایران پرچارد»، ضمن ارسال نامه ای به عنوان شورای انقلاب اسلامی ایران در اعتراض به تصمیم مسئولان شرکت در باره بر عدم تمدید قرارداد با کارگران نوشته اند: «با اینکه مبلغ قرار داد یک میلیون و سیصد هزار ریال، افزایش یافته است متأسفانه مسئولان شرکت، برخلاف نظر وزارت بهداشت و بهزیستی، از تمدید قرار داد با کارگران خودداری میکنند، در صورتی که طبق اسناد موجود در مورد صورت مخارج و دستمزدهای پرداختی نه تنها این قرار داد زیان آور نیست، بلکه سود فراوانی نیز نصیب شرکت میکند. در ادامه نامه آمده است که: «با توجه به شرایط فعلی جامعه که مبین و انقلاب اسلامی ما در معرض تجاوز نظامی شیطانی بزرگ قرار دارد، واضح است که دست زدن به اقداماتی از قبیل اخراج کارگران و ایجاد

فکری هم بحال رانندگان کامیونها بکنید

شاید برای وزن کردن کالا در نوبت باشند. بدهای هم دلال و واسطه در آنجا وجود دارند که بمنوان کارآزادارو پیمانکار ظاهر میشوند. آنها با دریافت میلی از رانندگان تحت عنوان «کمیسیون کاراز» به نفع خود رانندگان می پردازند و در حقیقت کاری برای آنها انجام نمیدهند. دولت جمهوری اسلامی ایران باید هر چه زودتر در این مورد چاره ای بیندیشد تا این افراد زحمتکش، که وجودشان از عوامل رونق اقتصاد کشور و رساندن مایحتاج عمومی به مردم است از نتایج انقلاب بهره مند گردند.

سینه تنالی

مانند بندگان سندیکای کارگران قالیبافان آذربایجان شرقی از تمام کارگران قالیباف در سطح استان بخصوص در شهر تبریز دعوت میکنیم که هر روز از ساعت ۹ بعد از ظهر تا ۱۰ به سندیکای کارگران قالیبافان واقع در خیابان ششکلان - باشگاه کارگران مراجعه نمایند و هرگونه نظر یا پیشنهادی دارند ارائه دهند و ما توضیحات لازم را در باره سندیکا و عملکرد آن و اینکه تا بحال نمایندگان کارگران چه کارهایی برای کارگران قالیباف کرده ایم و چه ترادادهایی بسته ایم در اختیارشان بگذاریم و همچنین این وامی که حالا دولت به کارگران قالیباف می دهد، بغیر از ضرر رساندن به کارگران قالیباف و سندیکای کارگران قالیباف چیز دیگری ندارد، چونکه سرمایه داران حساب کرده اند که اگر شما کارگران در یک جا جمع باشید، آنوقت میتوانند از حقوق و مزایای کارگری از جمله بیمه و بهداشت، حق اولاد - حق مسکن - حق خوار و بار و روزهای تعطیلی و مرخصی سالانه استفاده کنید. آنها حالا به شما وام میدهند و میگویند بروید در خانه خودتان فرش بیا کنید. وقتی فرش تمام شد، شما کارگران این فرش را در کجا بفروش

ادبیات و فرهنگ

دهقانان روانسر دست در دست پاسداران یک راه پیمائی ضد فئودالی بر گزار کردند

روزی ۵۹۳۲، یک گروه آبی و راه پیمائی با شکوه در روانسر، باش کت در ستائیان ۱۷۵ روستا، به دعوت سپاه پاسداران بر گزار شد. این گروه آبی بمنظور محکومیت فئودالهای منطقه از جمله دهقانان و زمینداران، عبدالشعری، که هم اکنون در بازداشت سپاه پاسداران پس می برند، انجام گرفت.

این گروه آبی و راه پیمائی، در طول خیابان اصلی روانسر باش کت دهقانان بر روی محکوم کردن توطئه ها و وسیله های فئودالهای منطقه بر گزار کردند. روستائیان با استقبال شدید خود به این دعوت انقلابی پاسداران لبیک گفتند. اهالی هر روستا یک نماینده از طرف روستای خود برای سخنرانی و افشاکاری فئودالها به روانسر فرستادند. نمایندگان روستاها با شمارهای خوانا و دروغی که بر پلاکاردهای خود نوشته بودند، همه در یک ساعت مقرر در مقابل سپاه پاسداران تجمع کردند. همچنین پاسداران مستقر در روانسر، همراه با اسلحه هایی که بر سر اوله های آنها یک شاخه گل به مفهوم دوستی و اتحاد بادقانان نسر شده بود، در معابر علیه فئودالها در صف قرار گرفتند. یکی از پاسداران با بلندگو شمارهایی را برای صف راه پیمایان تکرار می کرد، که از جمله عبارت بودند از: - فئودال نابود است. کشاورز زود روز است - فئودال مرگ به زیر نکتوت، خون دهقانان مام میچکد از چنگتو.

- درود بر خیمتی، سلام بر کشاورز

- اصلاحات ارضی اجرا باید کرد، فئودالها اعدام باید کردند

- مرگ بر کارتر و مهمان او در حکام تجمع صف راه پیمایان در جلوسقی سپاه پاسداران، یکی از پاسداران حکام سخنرانی فئودالهای منطقه را محکوم کرد و دهقانان در تائید سخنان این پاسدار شعارهایی علیه فئودالهای منطقه دادند سپس یکی از روستائیان در پشت تریبون قرار گرفت و گفت:

«من امروز خوشحالم از اینکه توانسته ایم با این شکوه دور هم جمع شویم و میتوانیم حرفهایمان را با صدای بلند بگوئیم بطوری که دشمن داخلی ما، یعنی «مالک» بشنود و سگته بکند. من در اینجا از برادران سپاه پاسداران قدر دانی میکنم که از ما دعوت کردند تا بیائیم و حرفهایمان را بزنیم.»

سپس این روستائی، عمل دادگاه انقلاب را مبنی بر آزادی فئودالها محکوم کرد. چندی قبل فئودالهای منطقه، که توسط دادگاه انقلاب آزاد شده بودند، مجدداً توسط سپاه دستگیر میگردند. همچنین این روستائی از آقای بزگنده، فرمانده سپاه پاسداران، برای دستگیری مجدد فئودالهای منطقه تشکر کرد.

سپس چند تن دیگر از روستائیان پشت تریبون قرار گرفتند و با قندردانی از عدل انقلابی سپاه پاسداران، توطئه فئودالها را محکوم کردند، در پایان فرزند یکی از دهقانان

منطقه روانسر قطعه نامه صادر شده را قرائت کرد. در این قطعه نامه آمده است:

«برادران عزیز!

انقلاب خونین و شکوهمند ملت قهرمان ایران، که با رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، که می رود تا به سر منزل مقصود رهنمون گردد و برستم و نطم استقامت ارکان داخلی و خارجی و پایان دهنده، از هر سو مورد تهدید فئودالها قرار گرفته است. در داخل سرمایه داران وابسته به فئودالها، که توانستند در زیر سر نیزه جلادان وابسته به آمریکا سالها مردم زحمتکش ماداره بدترین وجهی استثمار، و بر ملت حکمرانی کنند، از خارج هم آمریکای چپا چپا که به گفته امام خمینی «دشمن شماره یک ما است»، کار را بجای رسانده است که بر برده دست به تجاوز و تقسیم نظامی در خاک ایران عزیز زده است. ما روستائیان زحمتکش این توطئه را بدشت محکوم می کنیم و آمادگی خود را برای مقابله با داسیس فئودالها اعلام میداریم و خواسته های خود را بر شرح زیر اعلام می کنیم:

- ما روستائیان که سالهاست اربابان در زیر برق سر نیزه جلادان از هر گونه ستم و زوری بر ما دریغ نروده اند و به چشم بردگان زرخیز ما را تماشا میگردند، اکنون در پرتو این انقلاب و رهبری قاطع امام خمینی، خواهان قانون اصلاحات ارضی مموپ شوروی انقلاب اسلامی هستیم و می خواهیم که هر چه زودتر با قاطعیت اجرا شود. - از اقدام انقلابی و بموقع برادران سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی، در عقیم گذاشتن توطئه فئودالها، این بلندگویان استعمار، پشتیبانی خود را اعلام میداریم.

- ما بار دیگر تجاوز نظامی آمریکای جها نخوار، دشمن شماره یک مردم جهان را بدشت محکوم نموده و مجدداً آمادگی خود را جهت پیشبرد رهنمودهای رهبر انقلاب، امام خمینی اعلام میداریم.

- ما از مقامات مسئول رهنمودها بدین بر این انقلاب می خواهیم که هر چه زودتر به وضع شرکت های سهامی زراعی منطقه، که سرمایه روستائیان را سالهاست به یغما برده اند، رسیدگی عاجل نمایند.

- از دولت می خواهیم که برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران کمکهای لازم از قبیل وام، کود، بنده، ماشین آلات به ما روستائیان بدهد.

- ما آمادگی خود را برای همکاری در بهبود وضع روستاها با چهارم سائندگی اعلام میداریم.

- حکومت تزد پرست آمریکا را محکوم می کنیم و پشتیبانی خود را از اسپاه پستان اعلام میداریم.

سپس یکی از دهقانان منطقه پشتیبانی خود را از جنبش های آزادی بخش از جمله فلسطین و اسپاه پستان آمریکا اعلام کرد.

در پایان یکی از اعضای سپاه پاسداران بعد از تشکر از جمع دهقانان، آنان را دعوت به سخنرانی بزگنده و اقامه نماز جمعه کرد.

اخبار دهقانی

روستائیان تربت حیدریه مصادره اموال دو فئودال وابسته را جشن گرفتند

زمینهای دو فئودال بزگنده و محمدخان قرایی در اکبر آباد نوده از توابع تربت حیدریه به وسیله دادگاه انقلاب مشهد مصادره شد.

به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران، اهالی روستای اکبر آباد نوده شورایی واقعی خود را تشکیل دادند. حسن خان و محمد خان قرایی از فئودالهای معروف تربت حیدریه، نماینده مجلس فرمایشی شاه خائن از خوان و از عوامل وابسته به رژیم خونخوار پهلوی هستند. این دو فئودال همچون اسلافشان (قریبی ها، رضایی ها و شهیدوستا) که متأسفانه تیغ انقلاب دستهای خونین آنها را هنوز قطع نکرده است و آزاد میگردند، در سالهای سیاه اختناق زمینهای کشاورزان

را به یغما بردند و از دسترنج روستائیان کاجیا ساختند. در چند ماه گذشته، باشتکار شورایی دهقانان روستای اکبر آباد نوده و با حمایت جهاد سازندگی تربت حیدریه، دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به سرپرستی آقای فردوسی دستور مصادره کلیه اموال و زمینهای این دو ارباب را صادر کرده

روستائیان زحمتکش حق خود را از این دو فئودال گرفتند و ضمن سیاستگرایی از عمل انقلابی دادگاه انقلاب مشهد به جشن و شادمانی پرداختند.

به دهقانان کم درآمد فرصت بدهید

۱۲۰ زارع آبادی گمشوک مروشت پس از انقلاب ۴۰، بزعه ۷۰۰ هکتاری و ۱۰۰۰ هکتاری راه که در دوره طاغوت بوسیله اربابها (از طریق حتی به زندان انداختن زارعین) گرفته شده بود، پس گرفته اند و برای حفظ زمینهای خود اجازه ندادند حتی پای اربابان به این زارع راه یابد. در یکی از مزارع زارعین چند تن قد می کارند و محصول آنرا به کارخانه مروشت می فرورند. ولی بملت تیرباران پول، برق مزارع را قطع کرده اند و میمها از کار افتاده است و زارعین هم چون پولی در دست ندارند، بیگیری می کنند تا در ازای

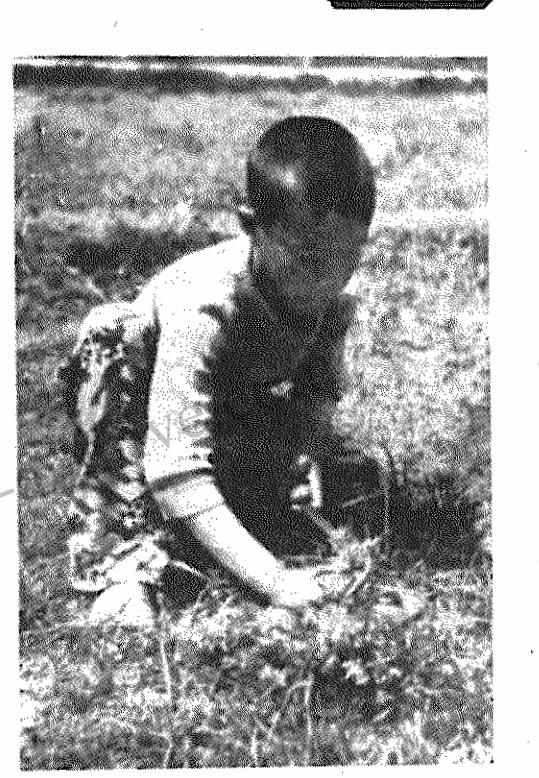
شکایت مالک از زارعین!؟

ده شیخ عبود در استان فارس واقع است. این روستا دارای حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین زراعی است. در این ده ۴۵ خانوار بر روی ۱۳۵ هکتار زمین زراعت می کنند. در دوره طاغوت، بنا به گفته دهقانان، مالک بزرگ ده بر اساس یک قرارداد موظف شد که ۴۰۰ هکتار از مجموع هزار هکتار زمینهای خود را برای کشت در اختیار زارعین قرار دهد. ولی مالک بزرگ با وجود تمهد خود، مانع کشت زمینها شد و به وعده خود عمل نکرد.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

مسائل دهقانی

وضع تحصیل کودکان در روستاها



کلاس سوم دبستان هشتم. روزی چند ساعت درس میخوانم. بقیه اش را روی زمین کار میکنم (روستای حبیب آباد - اسفهان)

به روستائیان سیل زده کمک کنید

در روستای اتاپک کرمان واقع در استان فارس، روستائیان توانستند بر اساس حق خود ۳۰۰ هکتار از ۵۰۰ هکتار زمین مالکان بزرگ روستا را، که از روستائیان به زور گرفته شده بود، پس بگیرند. چندی پیش در روستاهای این منطقه و از جمله روستای اتاپک سیل جاری می شود که متأسفانه هیچگونه اقدام مثبتی در زمینه کمک به سیل زدگان آن روستا انجام نمی گیرد. مدتی بعد دوباره در این روستا سیل جاری شد و تمام روستا در محاسره آب قرار گرفت. ارتفاع آب از زمین ۵۰ سانتی متر بود و در نتیجه کلیه روستائیان به استانداری فارس آمدند، تا برای بازسازی خرابی های روستا کمک بگیرند. استانداری قول دادن بولدوزر و بیل مکانیکی و سایر وسائل را به آنان داده است.

مقامات مسئول استان باید هر چه سریعتر به وضع نابسامان دهقانان سیل زده رسیدگی کنند و محصولات آنان را از خطر آسیب دیدگی نجات بخشند. با توجه به نیازهای بیم و ضروری کشور به تولیدات کشاورزی، کمک به دهقانان سیل زده وظیفه ایست چنانچه

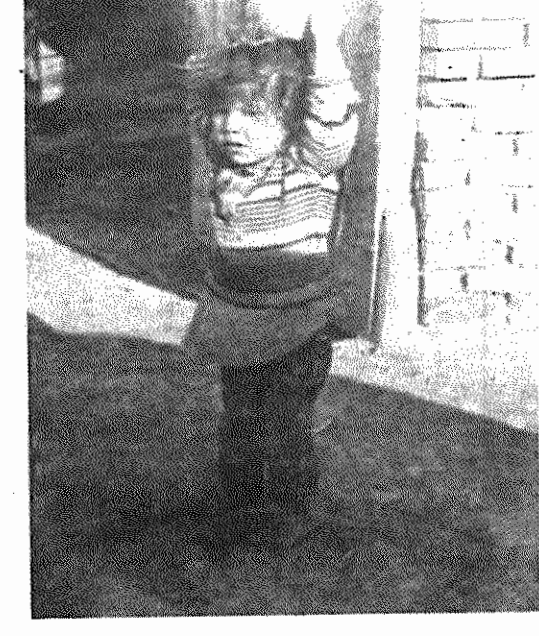
همچنین باید گفت که در دوره طاغوت، مالک بزرگ برخی زارعین را بر سر زمینها به زندان تبعید روانه کرده است. کوپنا مالک بزرگ ده هنوز نمی داند انقلاب در ایران شده است، چون زمینهای او که کشته اند همچنان به خیال خود مجدداً تصمیع گرفته است که بعد از انقلاب همچنان به کارهای طاغوتی خود ادامه و زارعین را مورد ظلم و ستم قرار

بایدیهای ناشی از نظام منحوس سلطنتی وابسته و زشتی و کراهت رشد سرمایه داری در روستاها با تمام نکتتهای حاکمیت فئودالها در روستاهای ایران در آمیخته است. تسلط استثمارگران در روستاها با شیوه های فاشیست مابانه و فلتری محمدرضا شاهی و فساد و بوسیدگی بی انتهای همراه بود و نتیجه آن حمله تمام عقب ماندگیها در شئون فرهنگی، آموزشی، پرورشی، بهداشتی، امور درمانی و زیر ساخت اجتماعی روستاها دیده می شود.

یکسال تحصیلی پایان یافت و کودکان روستائی ما در مقیاس عظیمی از نعمت تحصیل بی بهره مانده اند. ارقام و آمار نشان میدهند که درصد بیسوادی در سطح روستاها بطور جدی در سطح بالاتر از اردار. نبودن مدرسه و آموزگاران مکفی، بانوجه به رشد میزان تولد در روستاها بموجب میشود که مرتباً درصد بیسوادی روستائی افزون گردد. گروهی نسبتاً عظیمی از کودکان روستائی فقط بطور ناقص از سواده آموزشی بهره مند میشوند.

در بسیاری از روستاهای ایران مدرسه وجود ندارد، و یا برای چندین روستای تابع یک دهستان فقط یک مدرسه وجود دارد. ساختمان مدارس روستائی اغلب خروبه و از یک اسنق تشکیل میشود، بطوریکه دانش آموزان چندین کلاس در کنار هم در یک اتاق بنام مدرسه تجمع میکنند و در سائتهای محدود درس، بناچار به دروس بگذرگوش میدهند. از سوی دیگر، ضرورت کار برای کودکان روستائی، آنان را از تحصیل باز میدارد. بسیاری از کودکان روستائی مجبورند در فصول کشت و برداشت، مدرسه را رها کنند و به سر زمینها بازگردند و همچنین فرهنگ عقب مانده و وابسته مانع از رشد اجتماعی میشود. بدیده عدم درک ضرورت تحصیل کودکان نیز دیده میشود. این مقدم ضرورت، بخصوص برای دختران در درجه بالاتری قرار دارد. در ارقام و آمار آمده است که از ۱۵۰۰۰ نفر کودک و نوجوان روستائی، بین سنین ۶ تا ۱۴ ساله، فقط ۶۰۰۰ نفر قادر به خواندن و نوشتن هستند و نزدیک به دو میلیون نفر نیز کاملاً بیسوادیند.

در روستاهای ترم بیسوادی دختران بالا از پسران بیسوادی است. بنابراین ارقام کدر دست است، بالاترین



این کودک بزودی احتیاج به مدرسه خواهد داشت (روستای الوارسل- تبریز)

باتشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر یغما و بسود شما اجرا شود

عوامل حزب منحل خلق مسلمان علیه انقلاب فعال اند

طبق اطلاعات رسیده، عوامل به اصطلاح حزب خلق مسلمان بنابر مباحثه خاندانهای خوشی و دیگر زیر پوشش اسلام (حزب اللهی) به میدان کارزار آمده اند. قضایای خوشی را به انقلاب مسلمان ایرانیان وارد سازند.

بر اساس گزارش که از تبریز به ما رسیده است یکی از عوامل ضدانقلابی مذکور در گفتگویی اظهار داشته است که، اضافه به اصطلاح حزب خلق مسلمان به طور سازمان یافته ای به دو دسته تقسیم گشته اند تا زیر شعارهای «مرگ بر کمونیسم» از طرفی و «شماره ی اسلامی» از سوی دیگر به میتینگ و اجتماعات گروهی سیاسی حمله ور شوند.

ما بار دیگر ضمن تاکید بر ضرورت شناسایی و دستگیری این عوامل، یادآوری می کنیم که در این شرایط حساس که ضد انقلاب به طور سازمان یافته ای در پی فرسوی جهت ضربه زدن به انقلاب است، بر مقامات مسئول است که این شبکه های سازمان یافته را کشف و عوامل آن را هر چه زودتر دستگیر و مجازات کنند.

دانشجویان کابل حمایت قاطع خود را از اقدام های دولت انقلابی افغانستان اعلام کردند

دانشجویان دانشگاه کابل در اجتماع بزرگی خواستار قطع مداخله امپریالیسم و ارتجاع جهانی در امور داخلی افغانستان و متوقف شدن اعزام خرابکار و اسلحه به این کشور شدند.

در این اجتماع اعلام شد که رادیوهای مزدور غربی از جمله رادیو صدای آمریکا، بی بی سی و غیره، آنچنان حقایق را درباره رویدادهای افغانستان وارونه جلوه میدهند که گزارش های آنها تنها میتواند مایه خنده و شوخی باشد. دانشجویان کابل حمایت قاطع خود را از اقدام های دولت انقلابی افغانستان اعلام کردند.

در چین حمله به سیاست های مائوئیستی روز به روز گسترش می یابد

در چین کارگران و دهقانان دامنه تظاهرات خود را علیه سیاست های مائوئیستی، که به نظر مردم منجر میشود، گسترش میدهند و مزاج توسط دهقانان تصرف میشود. همچنین در این تظاهرات سیاست خارجی دارو دسته مائوئیست چین در مورد دشمنی با اتحاد شوروی و نزدیکی به امپریالیسم آمریکا مورد اعتراض قرار میگردد و این سیاست روز به روز باعث نفرت هر چه بیشتر مردم میشود. از سوی دیگر مأموران چینی در چندین مورد مردم را زیر آتش گرفته وعده زیادی را اعدام کرده اند. همچنین در نهم اردوگاه کار اجباری در چین، ده میلیون زندانی برده وار زندگی میکنند.

مقاومت مردم پاکستان علیه رژیم دست نشانده ضیاءالحق افزایش می یابد

رژیم دست نشانده ضیاءالحق، که با نفرت روز افزون مردم پاکستان روبرو میشود، سیاست فشارورس کوب را گسترش میدهد. هم اکنون محاکمه یحیی بختیار، دادستان کل سابق کشور و یکی مدافع ذوالفقار علی بوتو، آغاز شده است. بختیار از جمله شخصیت های پاکستانی است که رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق را آشکارا به خاطر سرکوب آزادی ها و فروختن منافع کشور به امریکا مورد حمله قرار داده بود.

از سوی دیگر اعتصاب هزاران تن از حقوق دانان پاکستان، که بعنوان اعتراض به رژیم ضیاءالحق و درخواست برای آزادی مطبوعات و سایر آزادی های اساسی صورت گرفته، همچنان ادامه دارد. گزارش های رسیده حکایت از آن دارد که سازمان های اجتماعی مختلف پاکستان ضمن ابراز انزجار نسبت به رژیم، همبستگی خود را با این اعتصاب اعلام کرده اند.

همکاری نظامی آمریکا و چین

ویدارکنک پیاپی معاون نخست وزیر چین، از آمریکا ظاهراً با «موققت» برای دورنگ به پایان رسیده. مقام چینی در آخرین روزهای اقامت خود در آمریکا دیدن کردیدار از این پایگاه های سری نشان داد که امپریالیسم آمریکا تا چه حد برای همکاری، بویژه همکاری نظامی با مائوئیست- چین ارزش قائل است. در جریان این دیدار آمریکا موافقت کرد که هلیکوپتر، دستک های رادار و دیگر اقلام نظامی به چین بفرشد.

دیرکل حزب کمونیست فرانسه: اتحاد شوروی برای صلح تلاش میکند



ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، در نطقی خطاب به کارگران در حومه پاریس گفت: «اتحاد شوروی برای صلح تلاش میکند و سراسر تاریخ آن واپسگرایانه اکنون در زمینه سیاست خارجی بعمل می آورد، نشان دهنده این تلاش است.»

وی بویژه به اعلامیه لئونید برنژف در مورد خروج یک جانبه بیست هزار سرباز و هزار تانک اتحاد شوروی از جمهوری دمکراتیک آلمان و مبارزه اتحاد شوروی برای اجرای موافقت نامه سالت ۲ اشاره کرد. ژرژ مارشه خاطر نشان ساخت که اخیراً کشورهای عضو پیمان ورشو پیشنهاد کرده اند که اجلاس از رهبران کشورهای همه مناطق جهان برای بحث درباره مسأله آلمان بر دکانهای تشیع در جهان و جلوگیری از جنگ تشکیل شود. ژرژ مارش به آتشهای دولت افغانستان برای مذاکره بی قید و شرط با همسایگان و توافق با این کشورها درباره اصول حسن همجواری وعده میداد.

تجاوز مجدد نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان

نیروهای دست راستی در جنوب لبنان و نیروهای اسرائیلی بار دیگر این منطقه را زیر آتش گرفتند. مردان مسلح به رهبری سرگرد سمد حداد، دست نشانده اسرائیل، به کمک سربازان اسرائیلی، سرورسای جنوب لبنان را، که تحت نظارت نیروهای سازمان ملل است، چند ساعت گلوله باران کردند. بر اثر این حمله عده زیادی از روستاییان کشته و مجروح شدند و ده ها خانه ویران شد. همچنین قایق های اسرائیلی تلاش کردند که کماندهای این کشور را در بندر جنوب لبنان پیاده کنند، که با مقاومت نیروهای میهن پرست فلسطینی روبرو شدند و ناچار عقب نشینی کردند.

فناوردان اتحاد شوروی به آزمایشگاه فضایی ملحق شدند

یوری مالیشف و ولادیمیر آکوبونوف، فناوردان اتحاد شوروی، که با سفینه سایوز-۲ ت ۲-۳ فضایی پرتاب شده بودند، به آزمایشگاه فضایی سایوز ۶ ملحق شدند. سفینه سایوز ۲-۲ از سفین بسیار پیشرفته فضایی و مجهز به کامپیوتر- های پیچیده است، که سفینه را از کنترل زمینی مستقل میسازد. فناوردان این سفینه برای نخستین بار، بدون کنترل ایستگاه زمینی، توانستند کار الحاق را انجام دهند.

اکنون در سایوز ۶ ایدو فناورد هم راه با با یوف و روبین، فناوردان این آزمایشگاه فضایی، یک تجربه تجربیات کرائقدر علمی انجام میدهند. هفته پیش کوباسف و فارکاش، فناوردان اتحاد شوروی و مجارستان، که در آزمایشگاه فضایی سایوز ۶ سمری بودند، به زمین بازگشتند.

مداخله در امور داخلی یکدیگر حمایت کرد و کفت: «یک چنین حل و فصل سیاسی میتواند استقرار صلح پایدار را در منطقه امکان پذیر سازد.»

مارش گفت که کمونیست های فرانسه مصمم اند مبارزه برای صلح و خلع سلاح را به مهمترین جهت فعالیت خود تبدیل کنند و اضافه کرد: «ما به بعب نوترون، مسابقه تبلیغاتی، موشک های جدید آمریکایی و داروهای غربی، که استقرار آنها تامل موجود قدرت در اروپا را بر هم میزند و بنا بر این شایده امنیت اروپا را از میان می برد، قاطعانه پاسخ منفی می دهیم.»

نیروهای مزدور السالوادور با پشتیبانی آمریکا، به کشتار مردم مشغولند

رهبران نیروهای میهن پرست السالوادور، در یک مساحبه مطبوعاتی در کاستاریکا، از مردم جهان خواستند که صدای اعتراض خود را به قتل و عام مردم السالوادور علیه آمریکا و رژیم دست نشانده السالوادور بلند کنند. این رهبران اعلام کردند که دار و دسته دست نشانده آمریکا در السالوادور برای فریب مردم، در یک هفته اقدام های نمایشی را آغاز کرده و در همان حال سرکوب علیه خلق را بکمک مشاوران آمریکایی افزایش داده اند. نیروهای ارتجاعی دست ندانی، که از حمایت مستقیم آمریکا برخوردارند، با حمایت رژیم دست نشانده را به قتل رسانده اند. همین مزدوران ترسیده شده امپریالیسم آمریکا، از هندوراس و کواتمالا به مردم السالوادور حمله و میوشوند.

از سوی دیگر نیروهای چپ السالوادور کماکان ضربات قاطعی به مزدوران رژیم وارد میسازند. از جمله در جریان دو حمله نیروهای چپ مردم مسلح به دو ناحیه تحت کنترل مزدوران، ۱۴ تن از سربازان دولتی کشته شدند.

آمریکا برای حمله به گرانادا آماده میشود

امپریالیسم جنایت پیشه آمریکا لحظه ای از توطئه و تجاوز علیه کشورهای جهان دست برنمیدارد. از جمله در گرانادا اعلام شده که صدها تن از مزدوران در ایالت فلوریدای آمریکا، برای حمله به این کشور آموزش می بینند. آمریکا همچنین وسایل لازم را برای حمله در اختیار این مزدوران قرار میدهد. دولت گرانادا نیروهای ارتش را برای مقابله با این حمله بحال آماده باش در آورده است.

در باره نظریه امپریالیستی-مائوئیستی «ابر قدرت ها»...

بیشتری احساس کند، بشریت از بر تگاه جنگ خانمان بر انداز هسته ای کناره بگیرد و در نتیجه بهترین شرایط برای رشد و گسترش جنبش های آزادی بخش ملی و جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری فراهم شود.

دولت های اخیر، هر روز ستاره ای از پرچم امریکا گریخته است. سالی نیست که جنبش انقلابی در گوشه و کنار جهان به پیروزی های نسبی یا قطعی دست نیابد. و جنبش انقلابی ای نیست که اتحاد شوروی مستقیم و غیر مستقیم به آن یاری نکرده باشد. بسیاری از این جنبش های انقلابی بدون یاری مادی و معنوی اتحاد شوروی هرگز نتوانستند در برابر بورژوازی حاکم قدرتهای بزرگ امپریالیستی بویژه امپریالیسم امریکا مقاومت کنند. حتی وجود اتحاد شوروی دست امپریالیستها را در سرکوب خشن و خونبار جنبش های آزادی بخش تا حدود زیادی می بندد و میدان عمل و مانور نیروهای انقلابی و دمکراتیک را در کشورهای مختلف توسعه میدهد. همه این شواهد دلیل بر آنند که سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاست بیخبرانه نیروهای مسلح طلب برای مبارزه با محافل جنگ افروز امپریالیستی، در راستای کمک به جنبش های انقلابی در مبارزه با محافل ساختمان جهانی آزاد و فارغ از استثمار و استثمار است نه سیاست «سازش دو ابر قدرت امپریالیستی» بر سر تقسیم جهان.

در ماه های اخیر، جهان شاهد آنست که ضعف و زبونی امپریالیسم آمریکا در برابر پیشروی جنبش های انقلابی، مرتجع ترین و خشن ترین محافل امپریالیستی را به تپ و تابی مذبح خانه واداشته است. فساد اعتراض این محافل، همه رساله های گروهی فدایی سرمایه داری را پر کرده است. این محافل علناً خواهان طرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز و بازگشت به دوران جنگ سردند. آنان سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز را عامل پست و ساعدی برای رشد جنبش های ضد امپریالیستی می دانند و می بینند.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز و نظریه «دو ابر قدرت»

جامعه شناسان کار گزار امپریالیسم ازیکسو و به شیوه ای مائوئیستی ها از سوی دیگر و بصورتی دیگر، سیاست همزیستی مسالمت آمیز را دلیلی برای اثبات صحت نظریه «دو ابر قدرت» میدانند. آنان ادعا میکنند که همزیستی مسالمت آمیز «دو ابر قدرت» گواهی بر «سازش» این دو دولت و اشتراک منافع آنان و یگانگی سیاست های آنان است. و اقیامت روز، هر جهان این ادعاها را نیز دیگر از اعتبار انداخته است. درست برعکس این استدلال اوچکیری ویدئویهای مکرر نهفت های آزادی بخش ملی در سال های اخیر بهترین گواه بر آنند که پیگیری و استواری و هوشیاری اتحاد شوروی در مبارزه با محافل پیشرو سیاست همزیستی مسالمت آمیز در دهه اخیر باعث شده است که در این مدت، تحت فشار نیروهای مسلح طلب، محافل جنگ افروز امپریالیستی بنفرد شوند. امپریالیسم در ایجاد جنگهای تجاوزکارانه محلی محدودیت هر چه

از انتشارات حزب توده ایران

پوشش و پاسخ (شماره ۹) تحولات افغانستان و مسائل بفرنج عصر ما نورالدین کیانوری

سومیکو دختر هیر و شیمایی نوشته رمان کیم تر جمه از رفیق شهید خسرو روزبه

پتیه از صفحه ۳

ارضای تمایلات سلطه طلبانه خود، میخواستند اتحاد شوروی را از اعتبار بیندازند. آنها مانند امپریالیست ها میخواستند بین اتحاد شوروی و جنبش های ضد امپریالیستی عدم اعتماد و تفرقه ایجاد کنند، بلکه این جنبش ها را زیر سیطره خود در آورند. ولی امروز آنان، در پیروی از تئوری «ابر قدرت ها» و تئوری سه جهان خود به همکار و دستیار واقعی امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم امریکا مبدل شده اند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

چین مائوئیستی هنوز هم خود را عضو «جهان سوم» میدانند. ولی کشورهای جهان سوم باید از سر نوشت چین پند بگیرند. این نمونه آشکار نشان میدهد که با اصطلاح مبارزه با هر دو «ابر قدرت» حتی کار کشور قدرتمندی چون چین را به کجا که نمیکشاند.

در جهان سوسیالیسم

در جمهوری دموکراتیک آلمان

«جمهوری دموکراتیک آلمان»، که در مرکز اروپا واقع است، در شرق به «جمهوری توده ای ایستان»، در جنوب به «جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی»، در غرب به «جمهوری فدرال آلمان» و در شمال به دریای بالتیک محدود است. پایتخت «جمهوری دموکراتیک آلمان»، برلین است و ۱/۱ میلیون نفر جمعیت دارد. مساحت آلمان دموکراتیک ۱۰۸۰۰۰ کیلومتر مربع است. بموجب آمار سال ۱۳۵۷، جمعیت «جمهوری دموکراتیک آلمان» ۱۶/۷۶ میلیون نفر است که ۴/۰۳ میلیون نفر در روستاها و ۱۲/۷۲ میلیون نفر در شهرها زندگی میکنند. جدول زیر تقسیم جمعیت را در شهرها نشان میدهد.

جدول تقسیم جمعیت در شهرها (میلیون)

بین ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر ۳/۳۱
بین ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر ۳/۹۰
از ۵۰۰۰۰ نفر به بالا ۵/۵۱

وضع بد زحمتکشان در پرتغال

در پرتغال، در سالهای گذشته، افزایش دستمزدها همواره کمتر از افزایش هزینه زندگی بوده است. جدول زیر این واقعیت را نشان میدهد:

افزایش دستمزدها افزایش هزینه زندگی (درصد)

۱۹۷۷ ۱۶ ۲۷
۱۹۷۸ ۱۸ ۲۲۱
۱۹۷۹ ۲۰ ۲۴۲

یادآور می شویم، که آمار افزایش دستمزدها، مالیاتهای مستقیم را که کارگران باید بپردازند (مالیات بردارند و غیره) در بر نمی گیرد. اینگونه مالیاتها در سالهای ۷۹-۱۹۷۷ درصد افزایش یافت. فزون بر این، مالیاتهای غیر مستقیم نیز، که بویژه، کارگران را شامل میشود، در سالهای ۷۹-۱۹۷۶ بیش از دو برابر گشت (۴۲۵ هزار میلیون اسکودو در سال ۱۹۷۶؛ ۸۸۵ هزار میلیون اسکودو در سال ۱۹۷۹). بگزارش «بانک پرتغال»، در نیمه نخست سال ۱۹۷۹، بیکاری در کشور، ۹ درصد افزایش یافت و طبق گزارش های دیگر این رقم در نیمه دوم همان سال به مراتب فزون تر شد. به موجب گزارش های رسمی، ۱۰ درصد زحمتکشان پرتغال، یعنی در حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر، بیکارند، که ۲۲۰۰۰۰ نفر از آنها را زنان تشکیل میدهند. ولی، محافل سوسیالیستی معتقدند که شماره بیکاران از نیم میلیون نیز متجاوز است. نزدیک به ۲۰۰ هزار جوان برای نخستین بار در جستجوی کار هستند. جوانان در سالهای ۱۹۷۴، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸ بترتیب ۲۷، ۱۱۱ و ۱۵۴ درصد بیکاران پرتغال را تشکیل میدادند.

دست امپریالیسم از نفت ایران کوتاه . نفت سلاح موثر ما در مبارزه بخاطر تحکیم و تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی است

۲- گروه های رنکار که مائوئیستی،
۳- طرفداران رادش سرمایه داری،
۴- بخشی از نیروهای صادق ضد امپریالیست، نیز که بدلیل گزارش های ناسیونالیستی و شوروی سیزی، که اغلب ناشی از سوخت سالها سیطره امپریالیسم و سرمایه داری وابسته هستند، بدون آگاهی از عواقب مهمیت بار یک چنین نظریاتی پیگیر و نا پیگیر در ترویج آن میباشند.

بدون شک، تجربه عینی حاصل از روبرویی جنبش انقلابی میهن با وابستگی های ماسر، بواداران نا آگاه نظریه «دو ابر قدرت» و تئوری «سه جهان»، را از میان آگاه آن جدا خواهد کرد. دوغ و دوغاب از یکدیگر جدا خواهند شد. ضد انقلاب رسوا، میان روان منزوی و نیروهای صادق، آگاه و متعهد خواهند شد. خلق را خود را از میان ضربات گمراه گران راست و چپ خواهد کشود، بدون شک آن بخش از نیروهای و خلقی و واقفانده امپریالیست جنبش انقلابی میهن ما به تجربه خواهند دانست که میتوان سوسیالیسم را پذیرفت، اما نمیتوان ماهیت سوسیالیستی نظام حاکم بر کشورهای را در نقش انداختن اتحاد شوروی را در پیروی از جناح آزاد فارغ از استثمار نفی کرد و دوستی با نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان را، که روسی از هر جنبه به سود استثمار و آزادی راستین میهن ماست، به دشمنی بیهوده و بی جهت مبدل کرد. مادر این همه هیچشکی نداریم. اما سلسله اینست که آیا امپریالیسم فرصت کافی برای آموختن از اوقیاسات را بمی خواهد داد؟ مسئله اینست که در این لحظات حساس و تاریخی بیکار رویاروی امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جنبش انقلابی میهن ما پیش از اینکه بسایر دیر بشود، خواهد توانست در صحنه جهان دوستان و دشمنان حقیقی خود را بشناسد و در چهره ای متحد با دوستان، صفی شکست ناپذیر در برابر جبهه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل دهد؟ برای پیشگیری از افزاجه، برای پیشگیری از منزوی شدن خلق ما در جهان مترقی، در این لحظه تاریخی نبرد سینه به سینه با امپریالیسم جهانی، همه انقلابیون، همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست وظیفه دارند که کوشش خود را برای روشن ساختن حقایق فدای ماسر در پیشگاه توده ها و نیروهای های نا آگاه ده چندان کنند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

در جلسه علنی مجلس شورای ملی: شرکت نمایندگان مجلس در جشن استقلال لیبی تصویب شد اعتبارنامه‌های از نمایندگان موافقت و با برخی مخالفت شد

جلسه علنی مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، دیروز در ساعت ۱۰ و ۱۷ دقیقه، بر ریاست سنی دکتر یدالله سجایی تشکیل شد.

در آغاز جلسه دکتر سجایی گفت که نامه‌ای از کشور لیبی به دستمان رسیده، که آنها از ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس دعوت کرده‌اند، که در جشن استقلال (سالروز استقلال) لیبی شرکت کنند. این جشن از روز ۲۱ خرداد آغاز خواهد شد و دعوت‌شدگان باید قبل از روز ۱۹ خرداد در شهر طرابلس حضور بهم رسانند.

حجت‌الاسلام ناطق‌نوری گفت که چون هنوز اعتبارنامه همه وکلای تصویب نشده است، لذا صحیح نیست که کسانی بعنوان نمایندگان مجلس به لیبی بروند.

آیت‌الله خلخالی بعنوان قیل از دستور سخنانی بشرح زیر ایراد کرد:

«تمام پدیده‌های گذشته این بوده است که یک نفر در مجلس وارد میشد و وقتی که اعتبارنامه‌اش تصویب میشد سوار بر گرده مردم میشد و ولی این مجلس با آن مجلس‌ها فرق می‌کند. نمایندگان مجلس الان مست ملت‌اند. قبل از اینکه هویت و شخصیت یک نماینده مجلس مسلم شود، نباید باو تهنیت زد. در مورد آقای قشقایی ما بررسی کرده‌ایم و از نظر بنده دلیلی که عمده باشد، درباره ایشان وجود ندارد، از اینکه ایشان عضو سیا باشند و یا جزو مأمورینی که با آمریکا ارتباط دارند، برای من هیچکدام از اینها ثابت نشده است. حق این بود که آقای فواد کریمی مخبر کمیسیون ۴ دیروز میگفت که اعتبارنامه آقای قشقایی مورد بررسی است و بیشتر از این نباید کسی اظهار نظر کند.

اکنون تمام دنیا متوجه اعمال و رفتار ما است. باید متوجه باشیم که چه می‌گوییم. من از آقای دکتر سجایی خواهش میکنم که به آقایان نمایندگان تذکر دهد که آقایان بعنوان زبان مجلس حرفی نزنند و فقط آنها نظر شخصی خود را اظهار کنند. گریه‌گویی، مجلس ما مجلسی شورای اسلامی است. وضع مملکت اسلامی است. وضع ما نه از لحاظ سیاست داخلی و نه از نظر سیاست خارجی با لیبی برابر نیست.

در این موقع دکتر سجایی به ناطق اعتراض کرد و گفت اینجا جای اینگونه بحث‌ها نیست. عده‌ای از نمایندگان هم به گریه اعتراض کردند و جلسه متشنج شد.

دکتر سجایی گفت که مسئله در مورد سیاست کشور لیبی نیست. آنها از ده نفر از نمایندگان دعوت کرده‌اند و آنها هم می‌توانند به آنجا بروند.

خلخالی گفت:

«اتحاد شوروی هم اگر دعوت کند، می‌رویم، با اینکه کشور اسلامی نیست.»

جلسه وارد دستور شد. دستور جلسه عبارت بود از رسیدگی به بقیه گزارش‌های شعبه راجع به اعتبارنامه نمایندگان. در آغاز محلاتی مخبر شعبه ۷، اسامی سه نفر افراد باقیمانده از این شعبه را قرائت کرد که سلامتیان با اعتبارنامه دکتر موسی‌زورگر نماینده شیراز، مخالفت کرد. بنابراین پرونده او به کمیسیون تحقیق ارجاع شد.

دکتر سیبغیان مخبر شعبه ۵ گفت:

«کار این شعبه رسیدگی به ۳۰ اعتبارنامه بود که ما فقط توانستیم تا امروز ۱۴ اعتبارنامه ۱۴ نفر رسیدگی کنیم.» او نام ۱۴ نفر را که همگی نمایندگان تبریز بودند، قرائت کرد. سلامتیان با اعتبارنامه دکتر سیدحسین آیت مخالفت کرد. در این هنگام شجونی مخبر شعبه ۸ پشت تریبون قرار گرفت. او اسامی ۱۶ نفر از نمایندگان را قرائت کرد که با اعتبارنامه همه آنها موافقت شده بود، ولی شیخ اسمعیل معزی ملایری با پرونده آیت‌الله خلخالی مخالفت کرد و دو تن دیگر از نمایندگان هم با اعتبارنامه رامپور صدر لیبی، نماینده کاتس، مخالفت کردند.

بعد نوبت به جعفری مخبر شعبه ۱۰ رسید. جعفری اسامی ۲۲ نفر از نمایندگان را قرائت کرد. آیت‌الله خلخالی با اعتبارنامه سیدابوالحسن حسینی، نماینده نائین مخالفت کرد و رضوی هم با اعتبارنامه سیدجعفر حجتی کفنی نماینده نیریز با صله‌بان مخالفت کرد. در ضمن با اعتبارنامه دو نفر از نمایندگان بنام‌های اسدالله جوانمردی (سیان) و اسحق فرهنگدیزور (اقلیت کلیبیان ایران) در کمیسیون مخالفت شده بود.

در پایان دکتر صدر لیبی، نماینده کاشان، با صیانت گفت: «مجلس در دست یکتاده بخصوصی است. این شرم‌آور است که عده‌ای دائم صحبت کنند و به عده‌ای اجازه صحبت داده نشود. من عرض میکنم این مجلس عصاره آگاهی و وجدان ملت ایران است. کسانی که درباره دیگران قضاوت می‌کنند باید پاسخگوی گفتار خود باشند. کار بجائی رسیده که کسانی بلند میشوند علیه آقای خلخالی اعتراض می‌کنند. باید ضابطه‌ای در مورد مخالفت داشته باشیم. من شرمسارم که هر کسی بنابه میل خودش با دیگران مخالفت می‌کند. اگر آنها اعتراض خود را نتوانند ثابت کنند. ما اعلام جرم میکنیم.»

چون عده‌ای خود را برای رفتن به لیبی معرفی کرده بودند و عده کثیری را تشکیل میدادند، رئیس جلسه گفت که سا قرعه‌کشی میکنیم و از هر کمیسیون یک نفر را به لیبی میفرستیم. جلسه در ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه پایان یافت.

شکوائیه مسئولین حزب ما در اهواز به دادگاه انقلاب

سکوت در برابر ضد انقلاب باعث گستاخی آن می‌شود

کمیته معرفی می‌کند، به‌جای کارت‌شناسی کلت خود را به آنان نشان می‌دهد. مهاجمین آنان را با خشونت به کمیته «سنجری» واقع در زیرون کارمندی اهواز، می‌برند و در بین راه با آنان رفتار توهین آمیزی می‌کنند. در این جریان مورتوسیکلت هم مقنود می‌گردد و به اعتراض‌های دو رفیق مزبور ترتیبی قانونی داده نمی‌شود و مهاجمین هم ناشناخته و مصون می‌مانند.

در ادامه نامه خطاب به دادستانی میخوانیم: «ما با توجه به شرح موقوف فوق‌الذکر و در این شرایط حساس تاریخی که ضد انقلاب داخلی و خارجی به رهبری امپریالیسم آمریکا، مهن و غمناک‌ترکننده آن‌ها ضد انقلاب و نیروهای راستین آن جدی‌تر و حادتر شده‌است، از شما تقاضا داریم به این قضیه به‌توجهی جدی و عاجل رسیدگی فرمائید و مسئولین اعمال این ظلم را در مقام ولباسی که هستند به کیفر برسانید، زیرا صرف نظر از جزئی و ظلمی که بر عده‌های از افراد شرافتمند ما به وقوع پیوسته است، این اعمال نشانگر وجود وفالیت عوامل ضد انقلاب در نهادهای انقلابی و توطئه بر ضد انقلاب به منظور ایجاد تفرقه بین نیروهای مدافع انقلاب و سوق دادن نهادهای مزبور به اعمال شذمه‌ر می‌است، که هم‌وهمه فقط و فقط به سود امپریالیسم آمریکا و سایر دشمنان انقلاب تمام می‌شود. ما به سبب احساس مسئولیت انقلابی و به خاطر رعایت اولویت حفظ وحدت در مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در برابر حوادثی نظیر آنچه در بالا شرح داده شد، معانت و شکیبائی لازم را وظیفه خود می‌دانیم. امداد این شرایط حساس هشدار می‌دهیم و جداً می‌خواهیم که در برابر ظلم سکوت نکنید. سکوت در برابر اینظنکونه ظلم‌ها ضد انقلاب را هادس و گستاخی می‌کند. نهادهای گرامی انقلاب اسلامی ایران مانند کمیته‌های سپاه پاسداران، کمیته مبارزه با امواتمخنده، دادگاه‌های انقلاب و غیره باید از وجود عناصر ضد انقلاب پاک‌گردند و معاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در آن بر رعایت عدل، و قسط و آزادی‌های مردمی و عدم شکنجه و تفتیش عقاید تأکید شده است، باید احکام بر اعمال آن‌ها باشد.»

مسئولین حزب توده ایران - سازمان شهرستان اهواز ضمن نامه‌ای به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی اهواز خواستار مجازات مسببین شلاق‌زدن به سه رفیق توده‌ای در این شهر شدند. در این نامه، خطاب به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی اهواز، آمده است: «به‌خوبی می‌دانید که انقلاب بزرگ در پیرو شکوه مردم ما به رهبری امام خمینی، که بر ضد استبداد رژیم شاه مخلوع و وابستگی کشور، به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مهن مارا فرا گرفت، پسرای این بود که شمارها و خواست‌های اساسی میلیونها تسوده زحمتکش، یعنی «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» تأمین بشود. البته مراد از جمهوری اسلامی، حکومت شریعت‌های انقلابی اسلام راستین و متقیان راه علی است و نه آن‌ها که در جامعه اسلامی اعمال ضد اسلامی و ضد انقلابی به سود دشمنان ایران مرتکب می‌شوند. این مقدمه کوتاه برای بیان اعلام وقوع جرم و ظلم قاحشی است که در شهر ما نه تنها بر ضد عده‌ای از اعضاء و هتواداران حزب تسوده ایران صورت گرفته است، که یک حزب پشتیبان جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی امام خمینی است و در میانه کارانه‌رنج- بار و پرشهادت یار رژیم محمدرضا پهلوی خائن و پراسفترین حزب سیاسی انقلابی کشور است، بلکه مستقیماً بر ضد انقلاب اسلامی ایران و در جهت بازگشت ضد انقلاب داخلی و خارجی پیش آمده است.»

در دنباله نامه ضمن تشریح جریان شلاق‌زدن به‌سختن از رفقای توده‌ای به اسامی بهرام اشتری، محمدرضا جعفری و علی بهادری مقدم، آمده است:

«... دو نفر دیگر از اعضاء حزب توده ایران به اسامی خسرو جهانگیر بختیاری و ابوالقاسم سیدی، که برای پرس و جو درباره بازداشت‌شدگان به کمیته سپاه پاسداران مرکز مراجعه می‌کنند، وقتی که بی‌نتیجه بازمی‌گردند، وسیله نقلیه (موتور سیکلت) خود را دستکاری شده‌واز کار افتاده می‌بینند. آنان سپس در فلکه چهارشیر، مورد هجوم سرتشندان یک بیگان بسی‌شماره قرار می‌گیرند، یکی از این افراد که خود را اعضاء

پس از کشودن درهای زندان به روی ساواکها امیدهای مردم برای از بین بردن این جانیان و پاک‌سازی جامعه از وجود کثیفشان تبدیل به یاس گردید

در مطبوعات کشور

در حالی که توده‌های مستضعف کساها در محیط ترور و وحشتی که بوسله این مزدوران ایجاد شده بود در رنج بودند با خون‌خویش نقطه پایان بر رژیم سفاک پهلوی نهاده بودند، توده مردمی که بالند- ترین جوانان شان را در زیر شکنجه‌های این جلادان از دست داده بودند، نیاز به مجازات و کیفی مزدورانی داشتند که خود فضالانه در دستگیری و بازجویی آنها شرکت کرده بودند.

ولی پس از غنوه‌های مکرر و کشودن درهای زندان به روی ساواکها امیدهای مردم برای از بین بردن این جانیان و پاک‌سازی جامعه از وجود کثیفشان تبدیل به یاس گردید، در ماههای اول پس از انقلاب جامعه در حالت بی‌سج بود و نهادهای انقلابی مورد اعتماد و بهره‌ها مردم بودند. ساواکهای فراری یا اخراج‌شده و آزاد شده در شهرها امکان تشکیل و سازمان‌دهی نداشتند و مناطق پر آشوبی چون کردستان و کتبد... برای ایجاد توطئه رفته و با توطئه‌های گوناگون هر لحظه

کشایش مجلس

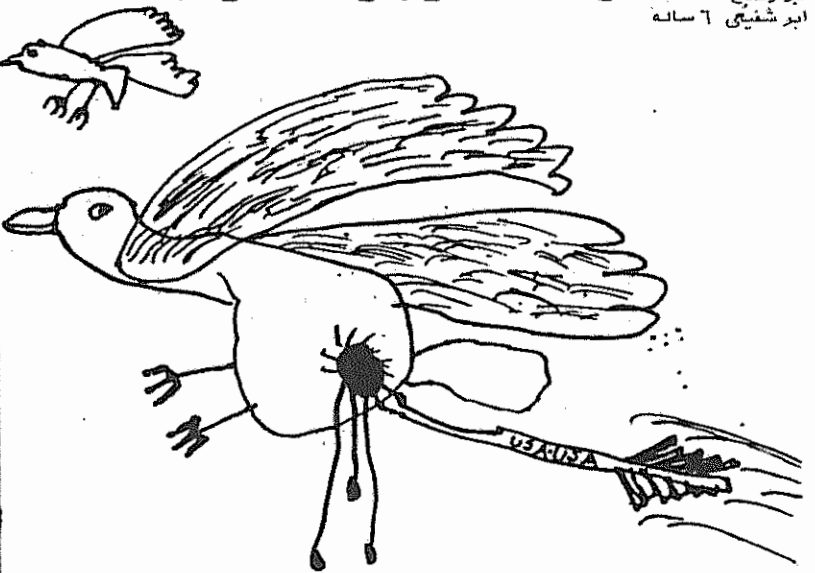
دشواریه‌های کنونی که دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران در پیش دارند و باید از عهد حل آن برآیند، فهرست‌وار عبارت است از: حتمیت‌ها به اداره امور داخلی قلمرو خود در چهارچوب ایران واحد و مستقل و بر خوددار از حاکمیت ملی، تأمین کار و مسکن و بهداشت و فرهنگ برای زحمتکشان، واگذاری زمین به دهقانان بی‌چیز و اعطای راه‌های کشاورزی و انواع کمک‌ها و خدمات دیگر و اقامت بختییدن به امر ملی کردن صنایع بزرگ و بانکها و تجارت خارجی و غیره، مبارزه با گزانی و ناپایب‌الاهای معرفی و خودبار، برنسام‌رزی رشد جامع الاطراف اقتصاد ایران و شروع به اجرای آن، مقابله با تحریم‌ها و زکاتی آمریکادولتهای غربی اروپا و زاین درباره ایران، آماده نگه‌داشتن مردم برای دفاع از کشور و انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ارتجاع و وابستگان و جرم‌خواران امپریالیسم... ولی، و درون از این همه مسئله رابطه کار و سرمایه، مالکیت‌های دولتی و تعاونی و خصوصی بر مسائل تولید، (اتحاد مردم، ۱۳ خرداد)

به ساواکی‌ها رحم نکنید

در حالی که شبکه‌های ساواک مجدداً پاک‌رفته‌اند و در ایجاد هر چه و مرج و ایفای وظایف ضد انقلابی خود فضالانه می‌کوشند، دور حالی که آمریکا با اعتماد به نیروی آنها توطئه‌های وحشتناک علیه نظام جمهوری اسلامی تدارک می‌بیند، چهره مرز کمالی و چشمان دریده و دروغگوئی‌های وقیحه‌اش در دادگاه به مردم و مسئولین هشدار میدهد. هشدار میدهد که اینها قابل اعتماد نیستند، سوگندشان فریب است. توطئه از اعمال گذشته و اعلام وفاداری‌شان به انقلاب نبرکنی بیش نیست. آنها به مردم و مسئولان دروغ می‌گویند. کمالی در دادگاه نشان داد که چگونه عمل ساواک حتی در دادگاه انقلابی هم می‌کنند مردم را فریب‌دهند و خود را مظلوم جلوه‌دهند. پس از ۱۳ ماه که از انقلاب گذشته بود، آن چنان‌چو رفت و مهریانی نسبت به جلادان ساواک بوجود آمد که کمالی شکنجه‌گر که در طول این مدت از ترس شمشیر انقلاب به گوشه‌ای خزیده بود، با مراجعه به مسئولین، می‌گوید: «در حالی که دیگر همکاران من حقوقشان را نمی‌گیرند، چرا حقوق من نمی‌دهید؟! حتی حقوق عقب‌افتاده این چند ماه را هم انتظار داشته است! در همین حال، پس از معلوم شدن نام و مشخصات کمالی، دستگیر می‌شود.

(کپهان، ۱۸ خرداد)

نمایشگاه نقاشیهای ضد امپریالیستی کودکان و نوجوانان ایران



یکی از آثار نمایشگاه...

از طریق این نمایشگاه به بازدیدکنندگان معرفی نماید. دیدار از این نمایشگاه، که در آثار آن روح خروشان انقلاب ضد امپریالیستی و دگرگونی ما میجوید، به همه فاداران به انقلاب ایران بویژه کودکان و نوجوانان توصیه میشود. خانه آفتاب در خیابان مبارزان (روزولت سابق) مقابل دانسترای عالی، شماره ۱۹۵۴ قرار دارد و ساعات دیدار از نمایشگاه باین شرح است: صبح‌ها: ۹ تا ۱۲ عصرها: ۴ تا ۷ نمایشگاه تا ۲۵ خرداد بریاست.

نمایشگاه نقاشی‌های ضد امپریالیستی کودکان و نوجوانان ایران در خانه آفتاب برپا شده است. در این نمایشگاه که باهتام کانون دانش‌آموزان ایران و با همکاری اداره کل موزه‌ها برپا شده است، صدها طرح از دانش‌آموزان سراسر ایران به نمایش گذاشته شده است. نمایشگاه نقاشی‌های ضد امپریالیستی کودکان و نوجوانان، به مناسبت سالروز جهانی کودک برپا گردیده و کانون دانش‌آموزان ایران کوشیده است تا مجموعه‌ای از نقاشی‌های کودکان و نوجوانان را از سراسر ایران جمع‌آوری کند و بدین ترتیب چهره مبارز کودکان و نوجوانان ایرانی را

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترکان است

مسئله المپیک «حل» شد، ولی مسئله استقلال سیاسی...!

مسئله شرکت یادم شرکت ورزشکاران ایرانی در المپیک، مسکوس انجام «حل» شده، باین صورت که تصمیم گرفته شد، ایران در المپیک شرکت نکند.

این تصمیم تاسف انگیزی است، زیرا ایران را در ردیف کشورهای معدودی قرار میدهد که زیر فشار آمریکا مجبور به منع ورزشکاران خود از شرکت در المپیک ۱۹۸۰ در مسکو شدند.

ولی در جریان اتخاذ این تصمیم، مسئله همراه با بزرگتری از شرکت در المپیک پیش آمده، که نمیتوان از آن سرسری گذشت. تصمیم بر این مبنای اتخاذ شده که رؤسای گروههای ورزشی (افغانستان) که خود را «مجاهد» مینامند و پایگاه عملیاتی آنها علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان نیز در خاک کشور دیگری (پاکستان) برپا شده، باشکرت ایران در المپیک مخالفت کرده اند. ظاهر این بود که تصمیم مبنی بر منع شرکت در المپیک تجدید نظری بعمل آید و تمایل باین بود که ایران در المپیک شرکت کند، ولی مخالفت گروههای افغانی مانع از این تجدید نظر مثبت شد. در نتیجه این سؤال مطرح میشود که، سیاست کشور ما را چه کسی تعیین میکند؟ یعنی مسئله استقلال سیاسی ایران مطرح میشود.

فرض کنیم که اتحاد شوروی با افغانستان تجاوز کرده است (که نکرده است)، فرض کنیم که جمهوری دمکراتیک افغانستان دست نشانده است (که نیست)، فرض کنیم این گروههای افغانی برای جنگ با افغانستان از پاکستان و بوسه پاکستان از آمریکا اسلحه نمیکیرند (که نمیکیرند)، صداقتی نیستند (نه هستند) و...

تازه بر مبنای تمام این مفروضات غلط، آیا میتوان نظری این گروهها را مبنای اتخاذ تصمیم سیاسی گرفت؟ اگر فردا جنبش جدائی طلبان اریتره از ایران خواست که بدولت اتیوپی اعلان جنگ بدهد، ایران این خواست را صرفاً بدلیل اینکه این جنبش خود را مسلمان میخواند و بدینوسیله انقلابی میماند، باید انجام دهد؟

قبلاً تصمیم گرفته شده که ایران در المپیک شرکت نکند. این تصمیم غلط بود. عللی هم که برای اتخاذ این تصمیم ارائه شد، ناشی از ارزیابی های غلط بود. ولی در صورت این تصمیم ظاهر استقلال محمندی که بعد از المپیک اتخاذ شده، بسبب خواست قائلان گروه افغانی بوده است. این دیگر باعث نه فقط نهایت تاسف، بلکه نهایت تعجب است، و عواقب زیان بخشی دارد.

ما بر آنیم، و بنظر ما تمام مردم ایران بر آنند، که استقلال سیاسی کشور، در نتیجه انقلاب خونین بهترین فرزندان ما بدست آمده، باید چون مردمک دیده حفظ شود. ممکن است یک تصمیم غلط سیاسی، بدلیلی از دلایل گرفت، ولی نباید هیچ تصمیم سیاسی را بر مبنای خواست کشورهای دیگر و حتی گروهی از کشورهای دیگر اتخاذ کرد، چه رسد بر مبنای خواست قائلان گروه خارجی مشکوک و مجهول. البته هر تصمیم سیاسی، ولو غلط، باید مستقل و بر مبنای تحلیلی که خود ما با استقلال از اوضاع انجام میدهم، اتخاذ کرد.

ما بارها گفته ایم و باز هم میگویم، هرگز از تصمیمی که سیاست خارجی کشور آینه اعتبار بین المللی کشور است، بر مبنای استقلال کامل و بی خدشه در اتخاذ هر مضمی سیاسی و هر گونه تصمیم سیاسی نمیتوان اعتبار جمهوری اسلامی ایران را در عرصه بین المللی حفظ و ارتقاء داد. اگر دیگر کشورهای جهان احساس کنند که سیاست خارجی ایران تأثیر پذیرد، حتی آنهایی که خود بر سیاست خارجی ما تأثیر گذارند، به کترین اعتمادی به استواری سیاست خارجی ما نخواهند داشت، ما را ملحقه خواهند پنداشت و از این دیدگاه بخواهند تکریمت و نسبت به ما عمل خواهند کرد.

بهر حال، آنچه که در مورد دخالت گروههای افغانی در سیاست ما پیش آمده، ابتدا در شان جمهوری اسلامی ایران نیست. جمهوری اسلامی ایران را استقلال سیاسی بی خدشهای شایسته است، بدور و مسون از هر گونه تأثیر خارجی.

نماینده ویتنام: لانه جاسوسی آمریکا، مرکز کلیه مداخلات آمریکا در ایران بوده است



لسی وان سانگو، رئیس هیئت نمایندگان ویتنام در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران در سخنرانی خود گفت:

«از طرف هیئت نمایندگان ویتنام، شرکت کننده در این کنفرانس بین المللی، افتخار دارم که ضمن تقدیم گرم ترین تهنیت های خود به کلیه هیئت های شرکت کننده، ستایش و همبستگی عمیق خود را از انقلاب اسلامی و مردم جمهوری اسلامی اعلام دارم.

بزرگترین افتخار است برای ما، که احسار امانات مردم کشور هوشی مینه را بحضور معظم آیت الله روح الله امام خمینی و جناب آقای ابوالحسن بنی صدر و رهبران انقلاب اسلامی ایران تقدیم داریم.

اعتقاد ما اینست که در این کنفرانس بین المللی، که ما در حال حاضر در آن شرکت میکنیم، به روشن کردن و افشای حقایق در باره مداخلات و جنایاتی که ایالات متحده آمریکا در برابر مردم ایران مرتکب شده است، کمک خواهد کرد و بدون شک این کنفرانس در تمکیم انقلاب ایران مؤثر و جواب دهنده اشکای به مبارزات تبلیغاتی و بی شرمانه ای خواهد بود که ایالات متحده علیه ایران شروع کرده است. ملت ویتنام بطوریکه با ما اشتیاق فراوان به موفقیت تاریخی انقلاب ایران درود فرستاده و نظاره ای از همبستگی با آن روحانیت از آن دست بر نداشته است. با وجود قاصد ما که از آزادی کشور ما را از ایران جدا میکند، ملت ما دارای کلیه آن شرایطی است که بتواند عیناً در دروازه های مردم ایران را در کشتار و تجمیع میزبانان مقدس ترین حقوق ملی و بشری توسط ایالات متحده بوده است، و چون ملت هوشی مینه که بزرگترین زنجیر را در درون خود از جنایات امپریالیسم آمریکا کشی کرده ایم، خود را محق میدانیم تا شهادت مثبت خود را در حمایت از مسائلی که نمایندگان ایران در مورد اعمال و دخالت های آمریکا در این کشور ارائه میکنند، اعلام داریم.

این عمل تهاجمی یک تحریک واضح و آشکار نظامی است که حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته است. وزارت امور خارجه کشور ویتنام برای ایجاد وضع بحرانی و متشنج شده و صلح و امنیت و تعادل ایران و سایر کشورهای منطقه را به مخاطره انداخته است.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام شدیداً حادثه جوی نظامی اخیر آمریکا را محکوم کرده و خواستار پایمان بخشیدن فوری به نوع اقداماتی است که استقلال، حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته. همچنین خواستار است که آمریکا کلیه نیروهای خود را از منطقه خارج سازد.

ملت و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام مجدداً همبستگی و حمایت بی دریغ خود را از تیرد ملت ایران در راه ایستادگی در مقابل امپریالیسم ایالات متحده و دفاع از کشور خود اعلام میدارند. ملت و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعتقاد کامل دارند که ملت ایران بسا کمال کلیه کشورهای ترقی خواه خواهد توانست کلیه توطئه ها و اقدامات جنایتکارانه ایالات متحده بر علیه ایران را خنثی کند.

آنچه مسلم است امپریالیسم آمریکا هرگز به شکست خود، در هر جا که باشد، اعزاز آسیای جنوب شرقی، خاور میانه، آفریقا و آسیا آمریکا را لاین اذعان نخواهد کرد. تاریخچه چند سال اخیر ویتنام همچون گواهی بر آن است. همانند ملت ایران، مردم ما نیز بالاترین تنگنای از این سفارت آمریکا، لانه تجاوز و جاسوسی احساس میکردند. همچنین از محل ستاد ارتش آمریکا که توسط ایالات متحده در منطقه لونگ بینه، نزدیکی سایگون بنا شده بود، به نام «پومنی» یا «تاکون در آسیای دور» نامیده میشد.

لازم به تذکر است که روشهای اعمال فشار، کشتار و شکنجه با یکدیگر توسط مأموران ساواک بر مبنای برستان و انقلابیون و ملت ایران محمول میشد، مانند کلیه اعمالی بود که توسط آمریکا و عناصر مزدورش بر سر زمین برستان و انقلابیون و ملت ما گذشت.

این روشها ابداع و تکمیل توسط آمریکایی ها در کشور ویتنام پیاده شده، تادر همان جایی آذنیس، که پای آمریکا به آن میرسد، اعمال کرد.

ما معتقدیم که بین رژیم پوشاری در جنوب کشورمان و رژیم دیکتاتوری آمریکایی در ایران روابط وسیعی وجود داشت، تا بطور متقابل از تخریبیات س کوب گری یکدیگر استفاده کنند. زیاد بودند که در آن امر اسیران بازان آمریکایی که پس از ارتکاب جنایت علیه ملت ما، توسط دولت آمریکا

به ایران فرستاده شده بودند، تا آنها را که در اینجا انجام داده بودند، در ایران تکرار کنند.

برای مثال، سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در تهران، برای ما یک ناشناس نبود.

در تجاوز نظامی ایالات متحده در پشین، ظاهر آن به منظور رهایی گروگانهای آمریکایی، کار تر همان روشها و حتی همان پرسنل را اعزام کرده بود، که یکبار دیگر، در نوامبر ۱۹۷۰، به منظور رهایی دزدان هوایی آمریکایی، که دستگیر کرده بودیم، فرستاده بودند. این کار حقیقی است که در ویتنام هم چون ایتران، برای هوشیاری انقلابی مردم، با شکست مفضضانه رو برودند.

اجازه دهید خلاصه ای از اعلامیه مورخه ۲۴ آوریل گذشته را، که توسط سخنگوی وزارت امور خارجه دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام قرائت شد، بیسم برسانم.

این عمل تهاجمی یک تحریک واضح و آشکار نظامی است که حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته است. وزارت امور خارجه کشور ویتنام برای ایجاد وضع بحرانی و متشنج شده و صلح و امنیت و تعادل ایران و سایر کشورهای منطقه را به مخاطره انداخته است.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام شدیداً حادثه جوی نظامی اخیر آمریکا را محکوم کرده و خواستار پایمان بخشیدن فوری به نوع اقداماتی است که استقلال، حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته. همچنین خواستار است که آمریکا کلیه نیروهای خود را از منطقه خارج سازد.

ملت و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام مجدداً همبستگی و حمایت بی دریغ خود را از تیرد ملت ایران در راه ایستادگی در مقابل امپریالیسم ایالات متحده و دفاع از کشور خود اعلام میدارند. ملت و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعتقاد کامل دارند که ملت ایران بسا کمال کلیه کشورهای ترقی خواه خواهد توانست کلیه توطئه ها و اقدامات جنایتکارانه ایالات متحده بر علیه ایران را خنثی کند.

آنچه مسلم است امپریالیسم آمریکا هرگز به شکست خود، در هر جا که باشد، اعزاز آسیای جنوب شرقی، خاور میانه، آفریقا و آسیا آمریکا را لاین اذعان نخواهد کرد. تاریخچه چند سال اخیر ویتنام همچون گواهی بر آن است. همانند ملت ایران، مردم ما نیز بالاترین تنگنای از این سفارت آمریکا، لانه تجاوز و جاسوسی احساس میکردند. همچنین از محل ستاد ارتش آمریکا که توسط ایالات متحده در منطقه لونگ بینه، نزدیکی سایگون بنا شده بود، به نام «پومنی» یا «تاکون در آسیای دور» نامیده میشد.

لازم به تذکر است که روشهای اعمال فشار، کشتار و شکنجه با یکدیگر توسط مأموران ساواک بر مبنای برستان و انقلابیون و ملت ایران محمول میشد، مانند کلیه اعمالی بود که توسط آمریکا و عناصر مزدورش بر سر زمین برستان و انقلابیون و ملت ما گذشت.

این روشها ابداع و تکمیل توسط آمریکایی ها در کشور ویتنام پیاده شده، تادر همان جایی آذنیس، که پای آمریکا به آن میرسد، اعمال کرد.

ما معتقدیم که بین رژیم پوشاری در جنوب کشورمان و رژیم دیکتاتوری آمریکایی در ایران روابط وسیعی وجود داشت، تا بطور متقابل از تخریبیات س کوب گری یکدیگر استفاده کنند. زیاد بودند که در آن امر اسیران بازان آمریکایی که پس از ارتکاب جنایت علیه ملت ما، توسط دولت آمریکا

به ایران فرستاده شده بودند، تا آنها را که در اینجا انجام داده بودند، در ایران تکرار کنند. برای مثال، سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در تهران، برای ما یک ناشناس نبود. در تجاوز نظامی ایالات متحده در پشین، ظاهر آن به منظور رهایی گروگانهای آمریکایی، کار تر همان روشها و حتی همان پرسنل را اعزام کرده بود، که یکبار دیگر، در نوامبر ۱۹۷۰، به منظور رهایی دزدان هوایی آمریکایی، که دستگیر کرده بودیم، فرستاده بودند. این کار حقیقی است که در ویتنام هم چون ایتران، برای هوشیاری انقلابی مردم، با شکست مفضضانه رو برودند.

اجازه دهید خلاصه ای از اعلامیه مورخه ۲۴ آوریل گذشته را، که توسط سخنگوی وزارت امور خارجه دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام قرائت شد، بیسم برسانم. این عمل تهاجمی یک تحریک واضح و آشکار نظامی است که حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته است. وزارت امور خارجه کشور ویتنام برای ایجاد وضع بحرانی و متشنج شده و صلح و امنیت و تعادل ایران و سایر کشورهای منطقه را به مخاطره انداخته است.

شوخی نیست...!

ابتکار جالب

سیمای جمهوری اسلامی ایران در بخش مراسم کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، ابتکار (۱) جالبی به خرج داد. جریان از این قرار است که در تمام مدت بخش سخنان نمایندگان کشورهای مختلف آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و در حالیکه سخنان آنان تک تک نقل می شد، عکس تمام قد آقای «رمزی کلارک» وزیر اسبق دادگستری آمریکا، که سوابقش معلوم است و طبق گفته خودش شدیداً با گروگانگیری جاسوسان مخالف است و ۱۸۰۰۰۰ دقیقه تمام بر صحنه تلویزیون نقش بسته بود!

دعوت را پذیرید

خبرنگاری در کنفرانس بین المللی مداخلات آمریکا در ایران از زمانیکه شوروی پرسیده، انقلاب ایران بهدوی مسلمان آن کشور چه اثری گذاشته است؟ وی در جواب گفت: «مسلمانان شوروی هم مانند بقیه افراد شوروی از انقلاب ایران حمایت کردند و ما از نماینده های مذهبی ایران دعوت می کنیم تا به کشور ما بیایند و از نزدیک مسائل را ببینند.»

آیا مفید و لازم نیست که این دعوت پذیرفته شود؟ (آزادگان، ۱۴ خرداد)

جواب دندان شکن

«آقایان»، وزیر امور خارجه پاکستان در یک مصاحبه، در پاسخ سئوالی که نظر او را در آنچه به گروگانها میگویند، گفت: «البتما مخالف گروگان گرفتن هستیم. من در دیداری که با امام خمینی داشتم از ایشان خواستم که گروگانها را آزاد کنند. ایشان گفتند، وقتی در ۲۸ مرداد کودتا شد و آمریکا شاه مخلوع را بر ما مسلط کرد، شما کجا بودید؟»

(سیمای جمهوری اسلامی ایران، بخش خبری شب، ۱۳ خرداد)

رکورد دروغگوئی

خبرگزاری دویس خبر زیر را منتشر کرده است: «سربازان روسیه شوروی با ۶۰۰۰ نفر و با کمک ۵۰۰ تانک و ۲۴ هلیکوپتر و سلاحهای سنگین و مستقیم با مجاهدین مسلمان افغانی درگیر شدند. سربازان شوروی در این نبرد از پیسهای فایال استفاده می کردند... و در نتیجه اصابت ۳ بمب هلاکت رسیدند و حدود ۵۰۰ تن از قوای شوروی و دولتی را به هلاکت رساندند و ۴۰۰ تانک را از کار انداختند و... در هنگام دشمن را نابود کردند... (اطلاعات - ۱۴ خرداد) - خبرگزاری های آمریکایی که از خبرگزاری دویس به نقل از این خبر، کلی منون شده بودند، در عین حال از اینکه این خبرگزاری رکورد دروغگوئی آنها را شکسته است، دلخور شدند.»

بدون شرح

«گروهی از دانشجویان افغانی در دانشگاه مشهد علیه دانشجویان فلسطینی دست به تبلیغات می زنند و مانع فعالیت آنها می شوند. این گروه تمام اعلامیه ها و پوسترهای دانشجویان فلسطینی را، که مربوط به سازمان آزادیبخش فلسطین است، پاره می کنند.» (نامه «مردم»، شماره ۲۴)

«در ادبهای غربی به نقل از مصاحبه مطبوعاتی یک مقام برجسته آمریکایی اعلام کردند که «آمریکاییان مستقیماً به شورشیان افغانی کمک می کنند و آمریکا همچنان در جستجوی راههای افزایش ارسال سلاح برای شورشیان است.» (همانجا)

«مبارزان مسلمان افغانی به ایران اجازه شرکت در المپیک مسکو را ندادند.» (چراغ، ۱۲ خرداد)

پاداش

رادیو دولتی عربستان سعودی روز پنجشنبه به نقل از وزیر دفاع آن کشور گفت: «عربستان سعودی طرف ۴ ماه آینده نخستین اسکا دران از هواپیماهای اف-۱۵ را تحویل خواهد گرفت. عربستان سعودی ۶۰ فروند از این جت را به آمریکا سفارش داده است.» (آزادگان، ۱۷ خرداد)

«تین رادیو همچین به نقل از شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز اعلام کرد که تحویل این هواپیماها بدون هیچ گونه مانعی انجام خواهد گرفت.» (همانجا)

«حضرات مسلمان آمریکایی» پاداش موضع گیری خود را در کنفرانس پاکستان می گیرند!

تحریرات مجدد ضد انقلاب در «ایران ناسیونال»

بدینال شایعات هفته های اخیر، که منجر به اتفاقات روز شنبه ۹ خرداد ۵۹ در کارخانه ایران ناسیونال شد - که شرح آن در نامه «مردم» شماره ۲۵۳ به چاپ رسید -، حدود ساعت ۹ صبح روز شنبه ۹ خرداد ۵۹، عده ای در حدود ۵۰۰ نفر، تحت عنوان «کارگران یکبار» که بین آنها عده ای از کارگران خارجی ایران ناسیونال نیز که در جریان پاکسازی پس از انقلاب و نیز در واقع هفته قبل اخراج شده بودند، مشاهده میشدند، به ساختمان امور اداری حمله ور شدند. در نتیجه این حمله، تعدادی از شیشه های ساختمان امور اداری شکست و مهاجمین وارد ساختمان شدند و در صدد گسترش تحریرات پر آمدند، که با هشدار کارگران و افراد کمیته مستقر در ایران ناسیونال، عده ای از محرکین دستگیر گردیدند. در این برخورد متأسفانه چند تن از کارگران نیز زخمی شدند.

این اتفاق یکبار دیگر تأیید صحت هشدارهای بی دریغی است که ضد انقلاب از هر وسیله ای برای تشنج در واحدهای تولیدی و صنعتی - مخصوصاً کارخانجات بزرگ - و در نهایت تعطیل آنها، استفاده می کند.

ما هشاری کارگران متحد و انقلابی را تحسین می کنیم و خواستار مقابله جدی با این تحریرات هستیم.

از کمتهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

انفین بابت فروش یک شماره نامه «مردم» ۵۰۰۰ ریال
ب.ح. انشهر کرد ۵۰۰۰۰ ریال
یک مادر تودای ۲۰۰۰ ریال

نامه فرم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذین شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸

شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ: کلریان

MARDOM

No. 254
9 June 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود